NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۲
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران



درباره شبکه کودتا به مردم توضیح دهید

برخی نمایندگان مجلس خطاب به دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی خواستار شدند. از زمان آشوب‌های هجدهم و نوزدهم دیماه گذشته که به صراحت توسط رهبر شهید انقلاب، کودتا نامیده شد و تحولات پس از آن، کلیدواژه کودتا و هشدار نسبت به وقوع آن، جایگاهی ویژه در ادبیات سیاسی ایران پیدا کرد. حادثه شهادت رهبر انقلاب و گمانه‌زنی پیرامون نقش برخی جریانات و مسئولان در ایجاد خطای محاسباتی برای مقامات درباره میزان پیشرفت و اثربخشی مذاکرات آن زمان نیز به این فضا دامن زد.

۳



اراده اعزام نفتکش‌های ایرانی و بازدید فرماندهان از شهرک‌های موشکی جدید، نشانه عزم قاطع ایران برای تغییر نامعادله است

تدارکات عبور از محاصره

۲

محاصره با تفاهم‌نامه شکسته نمی‌شود

علی نادری
مدیرعامل سابق ایرنا

محاصره اقتصادی، یکی از مؤلفه‌هایی است که در جریان جنگ اخیر وارد مناسبات ایران و آمریکا شد؛ مؤلفه‌ای که برخلاف ظاهر اقتصادی و تجاری آن، ماهیتی کاملاً نظامی دارد و نمی‌توان با آن صرفاً از مسیر دیپلماسی و ابزارهای اقتصادی مواجه شد. اساساً وقتی دشمن با استفاده از ناوها، شناورها و ادوات نظامی خود مانع تردد کشتی‌ها به مقصد ایران یا از مبدأ ایران می‌شود، دیگر با یک محدودیت تجاری مواجه نیستیم، بلکه با یک اقدام نظامی روبه‌رو هستیم که پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد.

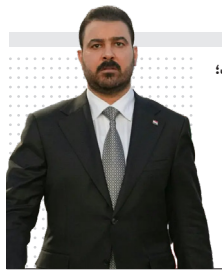
متن کامل در صفحه ۲



اظهارات تعجب برانگیز رئیس جمهور در دانشگاه تهران

پاس گل به نفیو با ضعیف‌نمایی از ایران بزرگ

۷



کارشناس مسائل منطقه در گفتگو با نوبنیاد مطرح کرد؛

آمریکا به‌دنبال عراقِ بدون مقاومت

۶

اقتصادی | صفحه ۴

آقای پزشکیان!، دلارهای گمشده را برگردانید

ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و تبدیل کردن کمبودها به یک نمایش رسانه‌ای تفاوت وجود دارد؛ تفاوتی که ظاهراً در برنامه دفتر رئیس جمهور مورد توجه نیست. به نظر دولت می‌خواهد کمبودها را به تصویر بکشد اما چرا کسی ماجرای ۴.۷ میلیارد دلار گمشده پول نفت را پیگیری نمی‌کند.

اقتصادی | صفحه ۵

جراحی اقتصادی با تیغ آزادسازی قیمت‌ها

آزادسازی قیمت‌ها، یکی از محورهای اصلی سیاست اقتصادی دولت چهاردهم بود که این روزها با شدت بیشتری اجرا می‌شود. با این حال مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم گفت: دولت نباید قیمت‌گذاری دستوری انجام دهد و باید حاشیه سود معقولی برای تولیدکننده در نظر گرفته شود.

یادداشت

محاصره با تفاهم‌نامه شکسته نمی‌شود

علی نادری
مدیرعامل سابق ایرنا

محاصره اقتصادی، یکی از مؤلفه‌هایی است که در جریان جنگ اخیر وارد مناسبات ایران و آمریکا شد؛ مؤلفه‌ای که برخلاف ظاهر اقتصادی و تجاری آن، ماهیتی کاملاً نظامی دارد و نمی‌توان با آن صرفاً از مسیر دیپلماسی و ابزارهای اقتصادی مواجه شد. اساساً وقتی دشمن با استفاده از ناوها، شناورها و ادوات نظامی خود مانع تردد کشتی‌ها به مقصد ایران یا از مبدأ ایران می‌شود، دیگر با یک محدودیت تجاری مواجه نیستیم، بلکه با یک اقدام نظامی روبه‌رو هستیم که پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد.

شاید اگر در روزهای امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، زمانی که آمریکا درصدد اعمال راهبرد محاصره بود، برخورد متفاوتی با این اقدام صورت می‌گرفت و ملاحظات مربوط به حفظ تفاهم‌نامه مانع از مواجهه جدی با آن نمی‌شد، امروز شرایط برای ایران آسان‌تر بود. در آن مقطع، می‌شد با اتخاذ رویکردی قاطع‌تر، اجازه نداد محاصره به یک واقعیت تثبیت‌شده در مناسبات دو کشور تبدیل شود. با این حال، مسئله اصلی اکنون نه بازخوانی تصمیمات گذشته، بلکه چگونگی مواجهه با راهبردی است که آمریکا برای اعمال فشار بر اقتصاد و معیشت مردم ایران در پیش گرفته است.

واقعیت این است که اعمال محاصره دریایی، صرفاً یک اقدام اقتصادی نیست. نمی‌توان پذیرفت که دشمن با استقرار نیروها و تجهیزات نظامی، مسیر رفت‌وآمد کشتی‌ها را مسدود کند و در مقابل، ما همچنان این مسئله را در چارچوب محدودیت‌های تجاری یا اختلافات دیپلماتیک تعریف کنیم. وقتی ابزار اعمال فشار، نظامی است، طبیعتاً راهبرد مقابله با آن نیز باید متناسب با همین ماهیت طراحی شود.

از همین منظر، با تغییر اولویت‌ها در دکترین «علی‌الاصول» و قرار گرفتن رویکرد سخت و نظامی در دستور کار سیاست خارجی و امنیت ملی کشور، نوع مواجهه با محاصره نیز وارد مرحله تازه‌ای شد. به نظر می‌رسد نقطه عطف این تغییر، هدف قرار گرفتن سه نفت‌کش بود؛ اتفاقی که معادله پیشین را دستخوش تغییر کرد و نشان داد ایران می‌تواند در برابر راهبرد محاصره، رویکردی متفاوت در پیش بگیرد.

از آن مقطع، ورق تا حد زیادی به سود ایران برگشت. محاصره‌ای که قرار بود به ابزاری برای تحمیل فشار اقتصادی و محدود کردن ظرفیت‌های کشور تبدیل شود، اکنون با معادله متفاوتی روبه‌رو شده است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند و باید با اتکا به ظرفیت‌های خود و متناسب با شرایط میدانی، برای رفع محاصره اقدام کند.

مسئله امروز روشن است؛ محاصره دریایی را نمی‌توان با نادیده گرفتن ماهیت نظامی آن یا صرفاً با امید بستن به تفاهم‌نامه و مذاکره از میان برداشت. تجربه این دوره نشان داده است که حفظ منافع ملی، مستلزم شناخت درست ابزار فشار دشمن و اتخاذ راهبرد متناسب با آن است. محاصره، یک اقدام نظامی است و مواجهه با آن نیز نیازمند تصمیمی متناسب، قاطع و مبتنی بر محاسبات دقیق امنیتی است.

اراده اعزام نفتکش‌های ایرانی و بازدید فرماندهان از شهرک‌های موشکی جدید، نشانه عزم قاطع ایران برای تغییر نامعادله است

تدارکات عبور از محاصره

همزمان با افزایش فشارهای آمریکا برای تداوم محاصره دریایی ایران، تحرکات تازه در میدان از تغییر رویکرد تهران برای پایان دادن به وضعیت نه جنگ و نه صلح حکایت دارد. اعزام کاروان نفتکش‌های ایرانی برای عبور از محاصره و بازدید فرماندهان ارشد سپاه از شهرک‌های زیرزمینی موشکی و رونمایی از ظرفیت‌های جدید دفاعی، دو پیام روشن برای واشنگتن دارد: ایران عزم خود را برای شکستن محاصره جزم کرده و در برابر تهدیدهای نظامی نیز از آمادگی و ظرفیت عملیاتی برخوردار است.



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

با ادامه و تشدید محاصره دریایی از سوی جبهه آمریکایی و افزایش هزینه ارتباط با ایران برای همسایگان، به‌دلیل تهدیدات دولت آمریکا، مطالبه برای خروج از وضعیت نه جنگ و نه صلح و شکستن محاصره دشمن، به یکی از مهم‌ترین محورهای اجتماعات شبانه ملت مبعوث ایران تبدیل شده است. اهمیت این موضوع آنجایی مهم‌تر می‌شود که دشمن آمریکایی روی این موضوع حساب ویژه‌ای باز کرده است. بنابراین ترتیب اثر دادن به این خواست راهبردی یکی از مهم‌ترین اقداماتی بود که میتوانست از نیروهای میدان صورت پذیرد. اعزام کاروان نفتکش‌های ایرانی برای عبور از محاصره و بازدیدهای میدانی دوباره فرماندهان نیروهای مسلح از شهرک‌های زیرزمینی موشکی، حاوی پیامی معنادار از عزم ایران در شکست محاصره و پایان دادن به وضعیت نه جنگ نه صلح است.

بازدید روز گذشته، سرلشکر احمد وحیدی فرمانده کل سپاه، که برای اولین بار در یکی از شهرهای موشکی سپاه حاضر شد و از ظرفیت‌های آن بازدید کرد در همین راستا تلقی می‌گردد. در این بازدید که از پرتابگر جدید دو موشکی نیروی هوافضای سپاه رونمایی شد. سردار سرلشکر «احمد وحیدی» فرمانده کل اظهار داشت: همه کشورهای ناتو علیه ایران بودند؛ اما به‌اذن خدا نتوانستند پیروز شوند. دبیرکل ناتو اعتراف کرد که بیش از ۵ هزار پرواز از کشورهای ناتو علیه ایران انجام شد. وی افزود: ذلت و خواری دشمن را بیش از پیش خواهیم دید؛ معلوم می‌شود که حق بر باطل پیروز است. خداوند اراده فرموده که باطل را از بین ببرد.

سردار موسوی: شگفتانه‌های جدیدی در سازمان رزم هوافضای سپاه شکل گرفته است

علاوه بر این سرتیپ پاسدار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای در حاشیه بازدید فرمانده کل سپاه از شهر موشکی نیروی هوافضا، با تأکید بر آمادگی نیروی هوافضای سپاه برای اجرای فرامین فرماندهی معظم کل قوا و فرماندهی سپاه اظهار کرد: نیروی هوافضا در همه ساحت‌های مأموریتی خود آماده انجام فرامین است. وی با اشاره به افزایش توانمندی‌های این نیرو در فاصله بین دو جنگ افزود: شگفتانه‌ها و محصولات کارآمدی از جنس مرعوب‌کننده و منهدم‌کننده در سازمان رزم ما شکل گرفته است. فرمانده نیروی هوافضای سپاه با بیان اینکه میدان نبرد با ایثارگری و مجاهدت رزمندگان در اختیار نیروهای ایرانی است، تصریح کرد: مطمئن هستیم که صحنه نبرد را ما تعیین می‌کنیم و در اعمال قدرت و مقابله با تهدیدات، حتماً درنگی وجود نخواهد داشت.

قابل ذکر است که دو هفته پیش نیز در مراسمی با حضور سرلشکر عبداللهی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، و سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از شهرهای موشکی جدید و زیرزمینی این نیرو مورد بازدید قرار گرفته بود. در جریان این بازدید، مقام‌های ارشد نظامی از بخش‌هایی از این مجموعه و توانمندی‌ها و آمادگی عملیاتی یگان‌های موشکی نیروی هوافضای سپاه دیدن کرده بودند. تصاویر منتشرشده از این مراسم، حضور رئیس ستادکل نیروهای مسلح و فرمانده نیروی هوافضای سپاه را در یکی از تونل‌های این شهر موشکی نشان می‌دهد. شهرهای موشکی نیروی هوافضای سپاه از جمله زیرساخت‌های دفاعی کشور به شمار می‌روند و در افزایش توان بازدارندگی و پاسخ‌گویی به تهدیدهای احتمالی نقش دارند.

خضریان: تصمیم نظام شکستن محاصره است

قابل ذکر است که دو روز پیش، علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفتگو با نوبنیاد از تصمیم جدید و قاطع جمهوری اسلامی ایران خبر داده بود و اظهار کرده بود: ایران تصمیم گرفته است به هر قیمتی محاصره نظامی را بشکند؛ محاصره‌ای که با هدف جلوگیری از فروش نفت و وارد کردن آسیب به معیشت و اقتصاد مردم دنبال می‌شود. نماینده مردم تهران تاکید کرده بود: در همین لحظه که ما در حال گفت‌وگو هستیم، یک ابرنفتکش در حال بارگیری است و ان‌شاءالله در روزهای آینده مسیر خود را برای انتقال نفت به مقصد طی خواهد کرد. هرگونه اقدام علیه این نفتکش، پاسخ نظامی در پی خواهد داشت و جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی‌های لازم را در این زمینه انجام داده است.

پالس اقتدار میدان؛ خط بطلان بر تحلیل‌های ضعیف‌نما

گفتنی است که بازدیدهای میدانی فرماندهان عالی رتبه کشورمان از شهرک‌های زیرزمینی موشکی و بازنمایی آمادگی قدرت موشکی کشورمان که بارها از سوی دشمن آمریکایی مورد ادعای نابودی واقع شده بود. دارای یک پیام راهبردی دیگر هم به دشمنان خارجی و هم به برخی از جریانات داخلی بود. چراکه مهم‌ترین پیام این بازدیدها و بازنمایی از قدرت موشکی، کشیدن خط بطلان بر هرگونه تحلیل مبنی بر تضعیف قدرت نظامی ایران است. تحلیل‌هایی که در مواردی منجر به خطای محاسباتی مسئولان شده بود. و دیگر سوی این ماجرا ارسال پالس قدرت به دشمن آمریکایی است.

سیاسی

شاهکار جدید میدان؛ آسیب به جنگنده F16 آمریکایی و انفجار دو نفتکش متخلف



روز گذشته روابط عمومی ارتش طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: شامگاه جمعه، سامانه‌های بومی نیروی پدافند هوایی ارتش مستقر در جنوب کشور، تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور، موفق به کشف و شناسایی یک فروند جنگنده F-۱۶ آمریکایی بر فراز خلیج فارس شدند. در جریان این عملیات، سامانه‌های پدافندی پس از رهگیری F۱۶ آمریکایی، اقدام به شلیک موشک به سمت آن کردند که در پی انفجار موشک در مجاورت این هواگرد، جنگنده آمریکایی متجاوز دچار آسیب شده و خلبان آن ناچار به لغو مأموریت و فرود اضطراری در یکی از نزدیک‌ترین فرودگاه‌های منطقه شد. علاوه بر این، روابط عمومی ارتش از آتش سوزی یک نفتکش متخلف در شرق تنگه هرمز خبر داد و اعلام کرد: قبل از ظهر امروز، یک نفتکش متخلف با وجود هشدارهای اعلام‌شده و الزامات تردد دریایی، با خاموش‌کردن سامانه‌های شناسایی و ناوبری وارد منطقه ممنوعه شرق تنگه هرمز شده بود که درپی برخورد با مین دریایی، دچار آتش‌سوزی شد. همچنین، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته تصاویری از انهدام یک نفتکش تخلف در سواحل جنوبی تنگه هرمز منتشر کرد.

ابراهیم رضایی: تهدیدات ایران واقعی و عملیاتی است



عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: دشمن در برابر ایران باید میان تسلیم در برابر موشک‌ها یا دیپلماسی انتخاب کند.
ابراهیم رضایی درباره تهدیدات جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان گفت: جمهوری اسلامی در این جنگ نشان داد تهدیداتش واقعی و عملیاتی است؛ همان‌طور که پس از حمله به تأسیسات پارس جنوبی جم، تأسیسات گازی قطر را هدف قرار دادیم.
وی افزود: اگر دشمن زیرساخت‌های ما از جمله پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها و دیگر تأسیسات را هدف قرار دهد، ما نیز متناسب با آن، زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی و آنچه «ایالت پنجاه‌ویکم آمریکا در منطقه» است را هدف قرار خواهیم داد و نابود خواهیم کرد. رضایی با بیان اینکه جمهوری اسلامی به نقطه‌ای از توازن با دشمن رسیده است، اظهار داشت: انتخاب با دشمن است؛ یا باید تسلیم موشک‌های ما شود یا تسلیم دیپلمات‌ها.
عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هم‌چنین با اشاره به ارتقای توان پدافندی کشور تصریح کرد: آمادگی پدافندی جمهوری اسلامی در جنوب و سراسر کشور نسبت به جنگ رمضان و حتی جنگ هرمز به‌مراتب افزایش یافته است.
وی با اشاره به انهدام پهپادهای دشمن ادامه داد: نشانه این ارتقا آن است که تقریباً هر روز پهپادهای دشمن را مورد اصابت قرار می‌دهیم. امروز از نظر فناوری و توان پدافندی به سطحی رسیده‌ایم که می‌توانیم پهپادهای دشمن را سالم به زمین بنشانیم و به غنیمت بگیریم.

برخی نمایندگان مجلس خطاب به دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی خواستار شدند

درباره شبکه کودتا به مردم توضیح دهید

از زمان آشوب‌های هجدهم و نوزدهم دیماه گذشته که به صراحت توسط رهبر شهید انقلاب، کودتا نامیده شد و تحولات پس از آن، کلیدواژه کودتا و هشدار نسبت به وقوع آن، جایگاهی ویژه در ادبیات سیاسی ایران پیدا کرد. حادثه شهادت رهبر انقلاب و گمانه‌زنی پیرامون نقش برخی جریانات و مسئولان در ایجاد خطای محاسباتی برای مقامات درباره میزان پیشرفت و اثربخشی مذاکرات آن زمان نیز به این فضا دامن زد. در ادامه تحولات مرتبط با جنگ و آتش‌بس و به دنبال آن رویکرد برخی جریانات سیاسی در قبال اوامر و فرمایشات صریح رهبر انقلاب نگرانی‌ها در این باره را شدت بخشید.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار



رهبر شهید انقلاب ده روز قبل از عروج خونین‌شان طی سخنانی با اشاره به کودتای دیماه سال گذشته تصریح داشتند: آنچه اتّفاق افتاد، یک «کودتا» بود که شکست خورد. این‌جور نبود که فرض کنیم یک عدّه جوان یا غیرجوان در یک جایی عصبانی شدند، حرکتی کردند، اقدامی کردند، اعتراضی کردند یا اغتشاشی کردند؛ نه، بیش از این حرف‌ها بود؛ کودتا بود.
هدف این بود که پایه‌های نظام را سست کنند، متزلزل کنند، مراکز حسّاس را بگیرند، صداوسیما را بگیرند و از این قبیل؛ این کاری بود که این‌ها می‌خواستند بکنند. نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و تعداد زیادی جوان که نه جزو بسیج بودند، نه جزو سپاه بودند، در مقابل این‌ها قرار گرفتند. اگر از این دسته‌ی مفسدِ اصلی کسانی هنوز در کشور باشند ـ ـ که لابد هم هستند ـ ـ این‌ها باید تعقیب بشوند، باید مجازات بشوند، باید محاکمه بشوند؛ ملّت، طلبکار این قضیّه است.
دستگاه‌های امنیّتی و قضائی موظّفند که آن کسانی را که با دشمن همراهی می‌کنند، همکاری می‌کنند، هم‌صدایی می‌کنند ـ چه در عمل، چه در زبان، چه در تحلیل ـ ـ با این‌ها برخورد قضائی بکنند، برخورد عادلانه بکنند.
هرچند از دیماه گذشته و آشوب‌های مورد حمایت مستقیم ترامپ در ایران، موضوع کودتا مورد توجه قرار داشت و حتی مورد تصریح رهبر شهید انقلاب نیز قرار گرفت اما در هفته‌های گذشته برخی شخصیت‌های سیاسی و به‌ویژه تعدادی از نمایندگان مجلس نسبت به این موضوع هشدار داده و می‌توان گفت دوباره گزاره کودتا و هشدار نسبت به وقوع آن در فضای سیاسی کشور ضریب قابل توجهی پیدا کرده است.
هفته گذشته روح‌الله متفکرآزاد نماینده مردم تبریز و عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی در سخنانی با بیان اینکه از قوه قضاییه و دستگاه‌های امنیتی سوالی دارم، گفت: امام شهیدمان وقایع دی ماه ۱۴۰۴ را در سخنرانی‌های علنی شبه کودتا و کودتا نامیدند؛ چرا کسی درباره شبکه کودتاگران و برخورد با آنان به مردم توضیح نمی‌دهد؟ سوال دیگر این است؛ آیا شبکه نفوذی پشت سر بحران‌سازی‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور، از بنزین و نان گرفته تا ورزشگاه‌ها وجود دارد؟!

دلسی رودریگزهای ایرانی

امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران دیگر نماینده‌ای بود که نسبت به کودتا هشدار داد. او در اینباره گفته بود: برخی آماده بودند بعد از ترور رهبر انقلاب در ۹ اسفند، در نقش دلسی رودریگز ظاهر شوند و کشور را به دامن امریکا ببرند اما حضور مردم مانع آنها شد.
وی افزود: این عده الان هم حاضر هستند و با بعضی از مواضع‌شان به امریکا پالس می‌دهند که ما هنوز هستیم و می‌توانید روی ما حساب کنید اما حضور میدانی مردم مانع اجرای نقشه شان شده، لذا تا هر زمان که لازم باشد باید در خیابان‌ها بمانیم تا نتوانند به هدف شان بر سند.
به گفته ثابتی، برخی وحدت را حول تسلیم شدن مقابل آمریکا میخواهند نه مبارزه با امریکا، در حالیکه حرف ما این است که باید همه وحدت کنند تا مشکلات مردم حل شود، با فساد مبارزه شود و مقابل امریکا بایستیم تا منافع ملی مان حفظ شود.

یادداشت

حالا متوجه شدید که فرق می‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد!

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

وقتی می‌گوییم فرق می‌کند که چه کسی رئیس جمهور باشد مستند بر مشاهدات و تجربه‌های ملی است. مستند به شرایط فاجعه‌بار کشور در دو سال گذشته است. مستند به وضع و حال مردم از فردای شهادت رئیس جمهور با کفایت، کاردان و مردمی است. مستند به نحوه مواجهه رئیس جمهور شهید با اوامر رهبری است.
به خاطر دارم که بعد از حمله اسرائیل به سفارت ایران در سوریه و شهادت جمعی از فرماندهان عزیز، رهبر شهید انقلاب امر فرمودند که به رژیم صهیونیستی سیلی بزنید. با اینکه در جلسه شعام نظرات مختلفی وجود داشت اما شهید رئیسی در مقام رئیس شورای‌عالی امنیت ملی اختلاف نظرها را به سمت اجماع حول دستور رهبری هدایت کرد و بلافاصله در مقام رییس جمهور نیز دولت را پای کار اجرای امر رهبری آورد. در آن شرایط همه دغدغه شهید رئیسی اجرایی شدن امر رهبر شهید بود و نتیجه پیگیری و ایستادگی او بر اجرای امر آقای شهید منجر به اجرای عملیات وعده صادق یک شد، یعنی برای اولین بار در طول تاریخ انقلاب، ایران به اسرائیل حمله کرد.
حالا مقایسه کنید با روایتی که دیروز رئیس جمهور محترم آقای پزشکیان از جلسه شورایعالی امنیت ملی بیان کرد. رهبر رشید انقلاب دستور برخورد مقتضی با آمریکا می‌دهند، اما رئیس شورایعالی امنیت ملی به رهبر انقلاب اعلام می‌کند امر جنابعالی قابل اجرا نیست!
این اتفاق تلخ یک فاجعه عمیق از به هم ریختن سازوکارهای حکمرانی در جمهوری اسلامی است. خدا درجات شهید رئیسی را متعالی فرماید. به اطرافیانش می‌گفت دولت ما موظف است نه تنها دستورات صریح رهبری که حتی اشارات ایشان را هم پیگیری و به نتیجه برساند. خود را سرباز جانفدای رهبری می‌دانست.
برخی افراد کم‌معرفت گاهاً برای اینکه نقصی از دولت او به رخ بکشند به او خرده می‌گرفتند که دولت شما فاقد گفتمان است. شهید رئیسی معتقد بود گفتمان اصلی نظام، گفتمان رهبری است و این یک انحراف معرفتی است که دولتها به موازات گفتمان رسمی نظام، شعاری را به عنوان گفتمان دولت مطرح و مسیر اصلی گفتمانی کشور را دچار فرسایش می‌کنند، لذا همیشه می‌گفت گفتمان دولت ما همان گفتمان امام و رهبری است؛ خدمت به مردم، بسط عدالت و...
امروز بیش از هر زمان جای شهید رئیسی خالی است.

خبر کوتاه

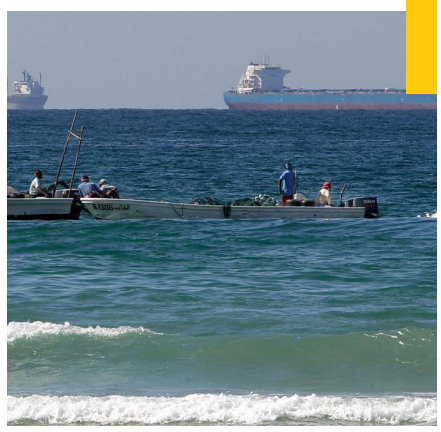
گلشنی استاد ممتاز فیزیک دانشگاه شریف درگذشت

مهدی گلشنی استاد ممتاز فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و عضو پیوسته فرهنگستان علوم و بنیان‌گذار گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف امروز سی‌ام آبان ۱۴۰۵ در هشتاد و هشت سالگی درگذشت.

نجابت: ایران بازی «نه جنگ، نه صلح» را به هم خواهند زد

روح‌الله نجابت، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، در واکنش به انتشار اخباری درباره قصد ایران برای عبور نفتکش‌های خود از محاصره دریایی آمریکا نوشت: گاهی به دریا زدن و عبور مقتدرانه ناوگان نفتکش‌های ایرانی می‌تواند ابزار تحقق خواسته رهبری باشد؛ دلاورمردان ایرانی از دل خلیج‌فارس با عبور از محاصره، بازی «نه جنگ، نه صلح» را به هم خواهند زد»

تنگه هرمز؛ اهرم راهبردی ایران در معادلات انرژی جهان



روزنامه فایننشال تایمز از کاهش تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز خبر داد و نوشت: افزایش حملات به کشتی‌های تجاری، هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه را به‌شدت افزایش داده و شرکت‌های کشتیرانی را با تردید جدی برای عبور از تنگه هرمز مواجه کرده است. طبق آمار سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا، در هفته منتهی به ۱۸ نوامبر، ۲۶۳ کشتی از تنگه هرمز عبور کرده‌اند که نسبت به هفته قبل ۱۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. تعداد نفتکش‌های عبوری نیز از ۵۲ فروند به ۳۷ فروند رسیده است. هم‌زمان، داده‌های اولیه شرکت کپلر نشان می‌دهد حجم نفت عبوری از این تنگه در هفته دوم نوامبر تقریباً به نصف هفته نخست رسیده است. این آمار نشان می‌دهد تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه جغرافیایی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین اهرم‌های اثرگذار بر اقتصاد جهانی و امنیت انرژی به شمار می‌رود.

براساس گزارش فایننشال تایمز، دست‌کم ۷ نفتکش در هفته گذشته هدف حمله قرار گرفته‌اند و از آغاز درگیری‌ها نیز دست‌کم ۳ شناور غرق شده‌اند. همچنین فهرست شناورهایی که ایران آنها را به‌عنوان کشتی‌های «غیرمجاز» با پروتکل‌های عبور از تنگه معرفی کرده، از ۴۶ فروند در ماه آگوست (مرداد ماه) به ۲۴۰ فروند افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش، هشدار درباره شکل‌گیری بحران در ناوگان حمل‌ونقل نفت طی ماه‌های آینده است. خورخه لئون، رئیس تحلیل ژئوپلیتیک مؤسسه ریستاد انرژی، هشدار داد که در صورت تداوم حملات کشتی‌ها، طی دو تا سه ماه آینده دسترسی به نفتکش‌ها با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

افزایش حملات و ناامنی‌نانی امنیتی، شرکت‌های کشتیرانی را با هزینه‌های بالاتر بیمه و ریسک عملیاتی مواجه کرده است. در چنین شرایطی، حتی شناورهایی که از نظر فنی امکان عبور از تنگه را دارند، ممکن است به دلیل افزایش هزینه‌های بیمه جنگی یا نگرانی از آسیب‌دیدن، از ورود به این مسیر خودداری کنند. افزایش هزینه بیمه نیز ابعاد اقتصادی این وضعیت را آشکار می‌کند. به نوشته فایننشال تایمز، هزینه بیمه عبور یک نفتکش از تنگه هرمز که یک سال قبل حدود ۵۴ هزار دلار بود، اکنون به ۶۴ میلیون دلار رسیده است. براساس گزارش این رسانه انگلیسی، اهمیت این تحولات از جایگاه تنگه هرمز در تجارت جهانی انرژی ناشی می‌شود. پیش از آغاز جنگ علیه ایران روزانه حدود ۱۳۵ شناور از این آبراه عبور می‌کردند و نزدیک به یک پنجم عرضه جهانی نفت و گاز از مسیر آن جابه‌جا می‌شد.

موج خبر

اعمال خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده از امروز

شرکت مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) اعلام کرد: از امروز، (اول آذرماه) در تأمین برق مشترکان اعمال می‌شود. این شرکت در اطلاعیه خود تاکید کرد: «امسال با توجه به شرایط ویژه تامین انرژی، صنعت برق از ابتدای آذر، ناگزیر به اعمال برخی محدودیت‌ها در تأمین برق خواهد بود. اطلاع‌رسانی به مشترکان مشمول، پیش از اعمال محدودیت، از طریق نرم‌افزار «برق من» و ارسال اعلان در پیام‌رسان «بله» انجام خواهد شد. محمد اله‌داد، مدیرعامل شرکت توانیر، درباره مدت زمان این محدودیت‌ها گفت: زمان محدودیت‌ها متغیر است اما احتمالا دو ساعت در دو روز یا حداکثر دو ساعت در روز است. وی با اشاره به اینکه ظرفیت نیروگاه‌های کشور برای تأمین برق زمستانی کافی است، اظهار کرد: ظرفیت نیروگاه های کشور کفاف تامین نیاز برق زمستانه را می دهند اما تامین برق در زمستان به دلیل چالش ها تامین سوخت، شرایط ویژه ای دارد. مدیرعامل توانیر با بیان اینکه خسارت واردشده به زیرساخت‌های تولید گاز در ۲۷ اسفندماه سال گذشته، شرایط تأمین سوخت را دشوارتر کرده است، افزود: حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور از دست رفت که بیش از نیمی از آن جبران شده، اما همچنان حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب کسری تولید گاز نسبت به سال گذشته وجود دارد. به گفته اله‌داد، در حالی که اوج تقاضای برق در تابستان به ۷۵ هزار مگاوات می‌رسد، این رقم در زمستان حدود ۴۵ هزار مگاوات است؛ بنابراین مشکل اصلی صنعت برق در فصل سرد، کمبود ظرفیت تولید نیست، بلکه تأمین سوخت نیروگاه‌هاست.

مدیرعامل توانیر همچنین از تشدید برخورد با مشترکان پرمصرف خبر داد و گفت: مشترکانی که الگوی مصرف را رعایت نکنند، ممکن است با قطع برق چند هفته‌ای مواجه شوند. وی افزود: دستگاه‌های دولتی نیز باید مصرف برق خود را در ساعات اداری نسبت به سال ۱۴۰۳ حدود ۳۰ درصد کاهش دهند و پس از ساعات اداری مصرف را به حداقل برسانند. او با تأکید بر اولویت حفظ برق صنایع اعلام کرد: محدودیت‌ها ابتدا در بخش‌های غیرمولد و مصارف غیرضروری خانگی، اداری و تجاری اعمال می‌شود و صنایع در آخرین اولویت قرار دارند. اله‌داد وی از مردم خواست با مدیریت مصرف و اطلاع‌رسانی درباره موارد برق‌دزدی، دستکاری تجهیزات اندازه‌گیری و مصارف غیرمجاز، صنعت برق را همراهی کنند و تاکید کرد: با مشترکانی که دستگاه‌های استخراج رمزارز نصب می‌کنند، تجهیزات اندازه‌گیری را دستکاری می‌کنند یا از طریق برق‌دزدی به سوداگری انرژی و ایجاد ارزش افزوده می‌پردازند، برخورد جدی خواهد شد.

نوبنیاد از نمایش صرفه‌جویی در مصرف برق در دفتر رئیس جمهور گزارش می‌دهد؛

آقای پزشکیان!، دلارهای گمشده را برگردانید

صرفه‌جویی در مصرف برق اقدامی ضروری است؛ به‌ویژه در شرایطی که کشور با محدودیت‌های انرژی و ضرورت مدیریت مصرف روبه‌روست. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر اهمیت خاموش کردن چراغ‌های اضافی، کاهش مصرف وسایل برقی و اصلاح الگوی مصرف شود. اما میان ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و تبدیل کردن کمبودها به یک نمایش رسانه‌ای تفاوت وجود دارد؛ تفاوتی که ظاهراً در برنامه دفتر رئیس جمهور مورد توجه نیست. به نظر دولت می‌خواهد کمبودها را به تصویر بکشد اما چرا کسی ماجرای ۴.۷ میلیارد دلار گمشده پول نفت را پیگیری نمی‌کند.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

روز جمعه گذشته مسئولان دفتر رئیس جمهور، خبرنگاران را به محل کار مسعود پزشکیان بردند تا از خاموشی چراغ‌ها و صرفه‌جویی رئیس جمهور در مصرف برق گزارش تهیه کنند. تصویری که از این برنامه مخابره شد، رئیس جمهوری را در محیطی تاریک و با کاپشن نشان می‌داد که قرار بود نمادی از صرفه‌جویی در مصرف انرژی باشد. اصل صرفه‌جویی نه‌تنها ایرادی ندارد، بلکه مسئولان کشور باید در رعایت الگوی مصرف پیشقدم باشند، اما مسئله اینجاست که آیا در شرایط حساس کنونی، چنین تصویری بهترین پیام برای افکار عمومی داخل و خارج از کشور است؟ ایران کشوری نیست که از دسترسی به برق محروم باشد. امروز تمام شهرهای کشور و بیش از ۹۹ درصد روستاها از نعمت برق برخوردارند. این دستاورد حاصل دهه‌ها سرمایه‌گذاری، توسعه شبکه انتقال و توزیع و تلاش متخصصان صنعت برق است که در جمهوری اسلامی رقم خورده است. بنابراین، نمایش تاریکی در دفتر رئیس جمهور، بدون توجه به این واقعیت‌ها و ظرفیت‌های ملی، تصویری بد از وضعیت کشور به جهان مخابره می‌کند؛ تصویری که به جای نمایش توانمندی‌های کشورمان، محدودیت‌ها و کمبودها را نمایش می‌دهد. در شرایطی که دشمنان ایران تلاش می‌کنند هر مشکل اقتصادی و زیرساختی را به نشانه‌ای از ناتوانی کشور تبدیل کنند، دولت باید در انتخاب پیام‌های رسانه‌ای خود دقت بیشتری داشته باشد. رئیس جمهور می‌تواند با خاموش کردن چراغ‌های اضافی، الگویی برای صرفه‌جویی باشد، اما وظیفه اصلی او مدیریت منابع، جلوگیری از هدررفت ثروت ملی و پاسخگویی درباره عملکرد دستگاه‌های اجرایی است. مردم از رئیس جمهور انتظار دارند علاوه بر توصیه به کاهش مصرف، درباره چرایی ایجاد محدودیت‌ها و راه‌های رفع آنها نیز توضیح دهد و از برنامه‌هایش بگوید.

فرصتی که می‌توانست به برق تبدیل شود

اما نکته مهم‌تر اینجاست که دولت در حالی برای نمایش خاموشی چند چراغ در دفتر رئیس جمهور برنامه رسانه‌ای ترتیب می‌دهد که پرونده بازگشت ۴.۷ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی کشور همچنان یکی از ابهام‌های جدی اقتصادی است. پولی که می‌توانست بخشی از مشکلات زیرساختی کشور را برطرف کند. چهارم آبان ماه امسال، در مناظره‌ای که با حضور حسین قربان‌زاده، مشاور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس و عضو هیات مدیره هلدینگ خلیج فارس، و وحید اشتری در خبرگزاری فارس برگزار شد، موضوع بازنگشتن ارز حاصل از فروش نفت به کشور مطرح شد. قربان‌زاده در این مناظره درباره عملکرد وزارت نفت در دوره مسئولیت محسن پاک‌نژاد گفت: «از ۳۲ میلیارد دلار نفتی که فروختیم، ۴.۷ میلیارد دلار به کشور برنگشته است» این اظهارنظر، ادعایی جدی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد و مراجع نظارتی و قضایی می‌بایست ماجرای این دلارهای گمشده را بررسی و ابعاد آن روشن کنند. با این حال، همین رقم به اندازه کافی مهم است که رئیس جمهور و دولت درباره آن موضع شفاف بگیرند. ۴.۷ میلیارد دلار درآمد نفتی، پولی نیست که بتوان از کنار آن گذشت یا آن را در میان انبوه مشکلات روزمره اقتصادی فراموش کرد. هر چند پزشکیان که بارها از ضرورت صرفه‌جویی، مدیریت مصرف و تحمل محدودیت‌ها سخن گفته، باید در برابر چنین موضوعی نیز حساسیت نشان دهد. اگر قرار است مردم با خاموش کردن چراغ‌ها، کاهش مصرف وسایل برقی و تحمل محدودیت‌های انرژی در مدیریت منابع کشور مشارکت کنند، طبیعی است که انتظار داشته باشند دولت نیز درباره تک‌تک دلارهای حاصل از فروش ثروت ملی پاسخگو باشد. نمی‌توان از یک سو از مردم خواست مصرف برق را کاهش دهند و از سوی دیگر درباره سرنوشت میلیاردها دلار درآمد نفتی سکوت کرد. صرفه‌جویی در خانه‌های مردم زمانی معنا و مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند که جامعه اطمینان داشته باشد منابع کشور با حداکثر دقت و شفافیت مدیریت می‌شود و هیچ فرصتی برای هدررفت درآمدهای ملی وجود ندارد.

تامین برق ۳٫۳ میلیون خانوار با دلارهای گمشده

برای درک بهتر اهمیت این رقم، کافی است آن را با یکی از مشکلاتی که دولت این روزها درباره آن اطلاع‌رسانی می‌کند، یعنی ناترازی برق، مقایسه کنیم. برآوردهای مبتنی بر هزینه‌های متعارف احداث نیروگاه‌های خورشیدی نشان می‌دهد با سرمایه‌ای در حدود ۴.۷ میلیارد دلار می‌توان ظرفیت قابل توجهی از نیروگاه‌های خورشیدی در کشور ایجاد کرد. با فرض هزینه سرمایه‌گذاری متوسط حدود ۶۷۰ دلار به ازای هر کیلووات ظرفیت نصب‌شده، این منابع امکان احداث حدود ۷ گیگاوات نیروگاه خورشیدی را فراهم می‌کند. چنین ظرفیتی با در نظرگرفتن ضریب بهره‌برداری متعارف نیروگاه‌های خورشیدی، می‌تواند به‌طور متوسط حدود یک هزار و ۱۲۷ مگاوات برق در شبانه‌روز تولید کند. اگر مصرف سالانه برق هر خانوار را به‌طور متوسط سه هزار کیلووات‌ساعت در نظر بگیریم، انرژی تولیدی این نیروگاه‌ها برای تأمین برق سالانه حدود ۳.۳ میلیون خانوار کفایت می‌کند. به بیان دیگر، منابعی که به گفته مشاور رئیس مجلس از محل فروش نفت به کشور بازنگشته، می‌توانست به سرمایه‌ای برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی تبدیل شود؛ نیروگاه‌هایی که علاوه بر کمک به کاهش ناترازی برق، زمینه کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش پایداری شبکه را فراهم می‌کنند.

در شرایطی که دولت از مردم می‌خواهد در مصرف برق صرفه‌جویی کنند، چنین مقایسه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. خاموش کردن چند چراغ اقدام مثبتی است، اما احداث چند گیگاوات نیروگاه و افزایش ظرفیت تولید برق، اقدامی ماندگار و اثرگذار در مقیاس ملی است که می‌تواند برق صنایع را تامین کند و خسارت به کشور وارد نکند. عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صنعت، معدن و تجارت چندی پیش، اعلام کرد: «عدم‌النفع ناشی از خاموشی‌ها که در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان بود، در سال ۱۴۰۴ به حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسید.»

مردم فقط توصیه به صرفه‌جویی نمی‌خواهند

بدون تردید مدیریت مصرف ضرورت دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند بدون اصلاح الگوی مصرف به توسعه پایدار برسد. اما مدیریت مصرف تنها یک بخش از مسئولیت دولت است. بخش مهم‌تر، مدیریت منابع، توسعه زیرساخت‌ها، جلوگیری از هدررفت درآمدها و پاسخگویی درباره عملکرد دستگاه‌های اجرایی است. رئیس جمهور باید به مردم توضیح دهد دولت برای افزایش ظرفیت تولید برق، توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر، اصلاح شبکه و جلوگیری از اتلاف منابع چه برنامه‌ای دارد و روشن کند پرونده بازگشت ۴.۷ میلیارد دلار درآمد نفتی در چه مرحله‌ای است، چه کسانی مسئول پیگیری آن هستند و چه اقداماتی برای بازگشت آن انجام شده است.

اگر این رقم به کشور بازنگشته، دولت باید برای بازگرداندن آن اقدام کند و اگر ادعای مطرح‌شده درباره این منابع دقیق نیست، باید با ارائه اسناد و اطلاعات شفاف، افکار عمومی را در جریان واقعیت قرار دهد.

رئیس جمهور باید تصویر اقتدار بسازد

همچنین تصویر رئیس جمهور در یک اتاق تاریک، حتی اگر با هدف ترویج فرهنگ صرفه‌جویی تهیه شده باشد، نمی‌تواند جایگزین گزارش عملکرد دولت در حوزه انرژی شود. ایران کشوری با ظرفیت‌های بزرگ انسانی، صنعتی و زیرساختی است و نباید دستاوردهای آن زیر سایه نمایش کمبودها قرار گیرد. امروز مردم بیش از آنکه به تصویر خاموشی چراغ‌های دفتر رئیس جمهور نیاز داشته باشند، به دیدن نتیجه اقدامات دولت برای رفع مشکلات نیاز دارند. رئیس جمهور باید بداند که مسئولیت او صرفاً توصیه به صرفه‌جویی نیست. وظیفه اصلی دولت، اداره کشور، صیانت از دارایی‌های عمومی و تبدیل ثروت ملی به رفاه و زیرساخت است. اگر قرار است فرهنگ صرفه‌جویی از دفتر رئیس جمهور آغاز شود، فرهنگ پاسخگویی و مقابله با هدررفت منابع کشور نیز باید از همان جا آغاز شود.

آقای پزشکیان! به جای آنکه تاریکی دفتر ریاست جمهوری به نماد مدیریت انرژی دولت تبدیل شود، پیگیر بازگشت درآمدهای نفتی باشید. به جای آنکه مدام از محدودیت‌ها و کمبودها سخن بگویید، نشان دهید دولت برای رفع آنها چه کرده است. خاموش کردن چراغ‌های اضافی، صرفه‌جویی است؛ اما خاموش ماندن چراغ شفافیت درباره میلیاردها دلار پول نفت، پذیرفتنی نیست.

واکاوی سیاست قیمتی پزشکیان در شرایط جنگی نشان می‌دهد؛

جراحی اقتصادی با تیغ آزادسازی قیمت‌ها

آزادسازی قیمت‌ها، یکی از محورهای اصلی سیاست اقتصادی دولت چهاردهم بود که این روزها با شدت بیشتری اجرا می‌شود. با این حال مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم گفت: دولت نباید قیمت‌گذاری دستوری انجام دهد و باید حاشیه سود معقولی برای تولیدکننده در نظر گرفته شود. او تاکید کرد: مصمم هستیم قیمت‌گذاری دستوری را انجام ندهیم، اما معنای آن این نیست که بازار را رها کنیم تا هرکسی به هرشکلی که خواست قیمت‌ها را افزایش دهد. سخنان در شرایطی مطرح شد که اقتصاد کشور با فشارهای ناشی از تصمیمات دولت، جنگ اقتصادی و افزایش هزینه‌های تولید مواجه است.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

امروز که کشور به حفظ تاب‌آوری اقتصادی نیاز دارد، حرکت به سمت آزادسازی قیمت‌ها می‌تواند فشار مضاعفی بر خانوارها وارد کند؛ به‌ویژه آنکه درآمد مردم با سرعت افزایش هزینه‌های زندگی هماهنگ نیست. مسئله اصلی این نیست که تولیدکننده باید با زیان فعالیت کند یا دولت هزینه‌های واقعی تولید را نادیده بگیرد؛ بلکه موضوع، زمان و شیوه اجرای اصلاحات قیمتی است. در شرایط جنگی، اقتصاد کشور بیش از هرزمان دیگری به سیاست‌هایی نیاز دارد که امنیت غذایی، استمرار تولید و قدرت خرید مردم را حفظ کند. با این حال افزایش نرخ ارز و تعدیل قیمت‌ها از ابتدای فعالیت دولت چهاردهم، به یکی از سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده که آثار آن در قیمت کالاهای اساسی و مواد اولیه نمایان شده است.

مسعود پزشکیان در نشست دیروز با فعالان اقتصادی درباره سیاست دولت در مورد قیمت‌گذاری گفت: «نمی‌توان قیمت را به زور تحمیل کرد، وقتی کالایی با هزینه ۱۰ تومان تولید می‌شود، نمی‌توان تولیدکننده را مجبور کرد آن را به قیمت ۸ تومان بفروشد، چراکه در صورت زیان‌دهی، تولید متوقف می‌شود و این روند به تخریب منجر خواهد شد. از سوی دیگر، نمی‌توانیم بازار را به گونه‌ای رها کنیم که تولیدکننده کالایی را با قیمت ۱۰ تومان تولید کند و آن را ۳۰ تومان بفروشد؛ بنابراین باید مدیریت مناسبی در بازار وجود داشته باشد. ما نباید قیمت‌گذاری دستوری انجام دهیم، اما باید حاشیه سود معقولی برای تولیدکننده در نظر گرفته شود. او تأکید کرد: «در عین حال، نباید اجازه داد هرکسی هر قیمتی که خواست تعیین کند و هرطور دلش خواست عمل کند؛ این نیز بخشی از مدیریت بازار است که باید به درستی اعمال شود.»

این سخنان نشان می‌دهد دولت چهاردهم به دنبال کاهش مداخلات مستقیم در تعیین قیمت کالاهاست، اما هم‌زمان بر ضرورت نظارت بر بازار تأکید دارد. با این حال، زمانی که دولت نرخ ارز تخصیصی به مواد اولیه را افزایش می‌دهد یا تأمین ارز را به سازوکارهای بازار واگذار می‌کند، هزینه تولید بالا می‌رود و تولیدکننده نیز برای حفظ حاشیه سود خود به دنبال افزایش قیمت محصول نهایی خواهد بود. در چنین شرایطی، اگر سازوکار رقابتی و نظارت مؤثر وجود نداشته باشد، حذف قیمت‌گذاری دستوری به افزایش بهره‌وری و رقابت منجر نمی‌شود.

از اصلاح ارزی تا موج افزایش قیمت‌ها

دولت چهاردهم از ابتدای فعالیت خود سیاست تعدیل نرخ‌ها را در دستور کار قرار داده است. این روند ابتدا در بازار ارز رسمی با تغییر نرخ ارز نیمایی از ۳۹ هزار تومان به ۴۵ هزار تومان در سه ماه نخست فعالیت دولت و سپس جایگزینی آن با بازار توافقی (دلار ۶۰ هزار تومانی) در دی ماه ۱۴۰۳ دنبال شد. این مسیر با افزایش تدریجی نرخ ارز رسمی به ۸۴ هزار تومان تا نیمه دی ماه سال گذشته ادامه یافت. نیمه دی ماه پارسال نیز دولت نرخ ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان با نرخ ۸۴ هزار تومانی تالار اول مرکز مبادله را حذف و یک شبه نرخ دلار رسمی به ۱۲۵ هزار تومان رسید. در سال جاری نیز نرخ دلار در مرکز مبادله از ۱۳۷ هزار تومان با افزایش ۴۱ درصدی به بالای ۱۹۴ هزار تومان در روز گذشته تغییر کرده است. این افزایش در شرایطی رخ داده که بسیاری از صنایع برای تأمین و قیمت‌گذاری مواد اولیه، قطعات، ماشین‌آلات و تجهیزات به ارز وابسته‌اند؛ بنابراین افزایش نرخ رسمی ارز، حتی اگر با هدف کاهش فاصله نرخ‌های رسمی و بازار انجام شود، هزینه تولید را بالا می‌برد. از سوی دیگر، افزایش قیمت مواد اولیه (قیمت‌گذاری براساس نرخ دلار) در بورس کالا نیز به این فشار اضافه می‌کند.

در واقع، دولت از یک سو نرخ نهاده‌های تولید را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، با کاهش مداخلات قیمتی، زمینه انتقال هزینه‌های جدید به مصرف‌کننده را شکل می‌دهد. این روند در شرایطی اتفاق می‌افتد که بنگاه‌های تولیدی نیز با مشکلات تأمین مالی، محدودیت انرژی و دشواری دسترسی به مواد اولیه روبه‌رو هستند. آثار سیاست‌های ارزی و افزایش هزینه‌های تولید را باید در نرخ تورم جستجو کرد. نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در مهر امسال به ۸۸.۷ درصد و تورم سالانه به ۷۶.۸ درصد رسیده است. هرچند رشد نقدینگی، کسری بودجه، انتظارات تورمی، محدودیت عرضه و شوک‌های ناشی از جنگ نیز در افزایش تورم نقش دارند. با این حال، افزایش نرخ ارز و هزینه نهاده‌ها یکی از مهم‌ترین دلایل رشد نرخ تورم در دو سال گذشته بوده است.

اقتصاد در چنبره خصولتی‌ها

یکی از چالش‌های جدی در آزادسازی قیمت‌ها، این است که بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور در اختیار شرکت‌های دولتی، شبه‌دولتی و خصولتی قرار دارد. محمد صالح اولیاء، رئیس سازمان ملی بهره‌وری در این باره می‌گوید: «سهم شرکت‌های دولتی از اقتصاد ۱۴.۵ درصد و سهم بخش خصوصی واقعی شاید بیشتر از ۱۵ درصد نباشد.» این یعنی، بیش از ۷۰ درصد اقتصاد در اختیار بنگاه‌های خصولتی و نیمه‌دولتی است.

در چنین ساختاری، آزادسازی قیمت‌ها بدون اصلاح نظام رقابت می‌تواند به نفع بنگاه‌های بزرگ و دارای قدرت بازار تمام شود. وقتی تولیدکننده کوچک برای تأمین سرمایه در گردش با مشکل مواجه است، اما شرکت بزرگ از منابع مالی و امتیازات بیشتری برخوردار است، نمی‌توان انتظار داشت حذف قیمت‌گذاری دستوری به شکل‌گیری بازاری رقابتی منجر شود.

جراحی اقتصاد زیر آتش جنگ

هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی و شرایط جنگی، دولت به دنبال این است که بخشی از مسائل چنددهه‌ای اقتصاد ایران را با مجموعه‌ای از سیاست‌های قیمتی درمان کند؛ سیاست‌هایی که در صورت اجرای نادرست، هزینه تصمیمات را به خانوارها تحمیل و تاب‌آوری اقتصادی مردم را کاهش می‌دهد. از حدود یک سال گذشته و هم‌زمان با تداوم سیاست‌های ارزی دولت، روند آزادسازی قیمت‌ها و واگذاری تدریجی قیمت‌گذاری کالاها به سازوکار بازار شتاب گرفته است. یک روز تولیدکنندگان شیر و لبنیات، روز دیگر تولیدکنندگان تایر و روغن موتور و روزی دیگر خودروسازان از افزایش قیمت محصولات خود خبر می‌دهند.

تردیدی نیست که افزایش نرخ ارز و هزینه واردات مواد اولیه بر بهای تمام‌شده تولید اثر می‌گذارد و تولیدکنندگان نیز برای ادامه فعالیت، به دنبال اصلاح قیمت محصولات خود باشند، اما مسئله اساسی این است که آیا ساختار اقتصاد ایران و شرایط معیشتی مردم، توان تحمل آثار این تصمیمات را دارد یا نه؟ از سوی دیگر، دولت در میانه جنگ و محدودیت‌های ارزی، تصمیم گرفت تأمین ارز بسیاری از کالاهای وارداتی و مواد اولیه موردنیاز تولید را به سازوکار بازار و توافق میان صادرکنندگان و واردکنندگان واگذار کند.

این تغییر سیاست، تنها به بازار ارز محدود نمی‌ماند؛ زیرا وقتی هزینه تأمین مواد اولیه و نهاده‌های تولید افزایش می‌یابد، تولیدکنندگان نیز برای جبران هزینه‌ها خواهان افزایش قیمت محصولات خود می‌شوند. ایزابلا وبر، اقتصاددان دانشگاه ماساچوست، نیز در مقاله «تورم در زمان‌های اضطرارهای هم‌پوشان» بر این نکته تأکید می‌کند که در شرایط بحران و جنگ، جهش قیمت در بخش‌های کلیدی می‌تواند از ابتدای زنجیره ارزش به سایر بخش‌های اقتصاد سرایت کند و به موجی فراگیر از تورم دامن بزند. بنابراین دولت‌ها در دوره‌های اضطراری نباید بازار را به حال خود رها کنند؛ بلکه لازم است در بخش‌های دارای اهمیت راهبردی و نظام‌مند، از ابزارهای موقت و هدفمند تثبیت قیمت، نظارت و تنظیم‌گری استفاده کنند. بنابراین، جراحی اقتصاد زیر آتش جنگ، پیش از هر چیز به سیاست‌هایی نیاز دارد که ضمن اصلاح ناکارآمدی‌ها، سبب رشد تولید و بهبود معیشت مردم شود.

نسخه اقتصادی برای شرایط جنگی

اقتصاد جنگی به جای گران‌سازی مستمر، به مدیریت منابع محدود، تقویت تولید، مهار تورم و حفظ قدرت خرید مردم نیاز دارد؛ چراکه تاب‌آوری اقتصادی کشور بدون تاب‌آوری معیشتی خانوارها امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین در شرایط جنگی، نسخه اقتصادی کشور باید بر حفظ امنیت غذایی، تأمین دارو، مدیریت منابع ارزی، حمایت از تولید و صیانت از قدرت خرید خانوارها متمرکز باشد. این سیاست به معنای بازگشت به قیمت‌گذاری دستوری و سرکوب هزینه‌های واقعی تولید نیست؛ بلکه دولت باید میان حفظ انگیزه تولیدکننده و توان خرید مصرف‌کننده تعادل برقرار کند.

نبض اقتصاد

چرا قیمت طلا سقوط کرد؟

بازار جهانی طلا روزهای متفاوتی را تجربه می‌کند. فلزی که تا همین چند ماه پیش در اوج تاریخی خود معامله می‌شد و بسیاری آن را پناهگاه امن سرمایه‌ها در روزهای بحران می‌دانستند، اکنون با موجی از فروش مواجه شده است. قیمت هر اونس طلای جهانی که در ژانویه ۲۰۲۶ تا حدود ۵ هزار و ۵۹۵ دلار افزایش یافته بود، در معاملات اخیر به محدوده ۳ هزار و ۵۰۰ دلار رسیده است. به این ترتیب، طلا حدود ۳۶.۷ درصد از ارزش خود را نسبت به قله تاریخی از دست داده و برای بازگشت به آن سطح، باید نزدیک به ۵۸ درصد رشد کند. اما چرا با وجود خرید طلا توسط بانک‌های مرکزی، تداوم جنگ‌ها و افزایش بدهی دولت آمریکا، قیمت این فلز گران‌بها همچنان سقوط می‌کند؟

نقش سیاست پولی آمریکا در ریزش طلا

مهم‌ترین عامل فشار بر قیمت طلا، انتظارات بازار درباره تداوم سیاست انقباضی فدرال رزرو آمریکاست. وقتی احتمال افزایش نرخ بهره بالا می‌رود، سرمایه‌گذاران به خرید اوراق و دارایی‌های بهره‌دار تمایل بیشتری پیدا می‌کنند؛ زیرا این دارایی‌ها سود ایجاد می‌کنند، اما نگهداری طلا درآمدی به همراه ندارد. طلال السمهوری، مدیر سرمایه‌گذاری شرکت مدیریت سرمایه «آوینتیکوم»، می‌گوید: افزایش بازده دارایی‌های دلاری، هزینه فرصت نگهداری طلا را بالا برده است. از سوی دیگر، نگهداری فیزیکی طلا نیز هزینه‌هایی مانند انبارداری و حفاظت به همراه دارد. آسیل العرنکی، رئیس بخش تحلیل بازارهای مالی شرکت «سی جی اینوست»، نیز تأکید کرد: افزایش بازده واقعی اوراق، یعنی سود سرمایه‌گذاری پس از کسر تورم، باعث می‌شود بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح دهند پول خود را از بازار طلا خارج کنند. حتی احتمال افزایش ۲۵ واحد پایه‌ای نرخ بهره در دسامبر ۲۰۲۶ که کریستوفر والر، عضو هیئت مدیره فدرال رزرو، به آن اشاره کرده است، نگرانی‌ها درباره تداوم فشار بر قیمت طلا را افزایش داده است.

وقتی بانک‌های مرکزی طلا می‌خرند

نکته قابل توجه این است که بانک‌های مرکزی، برخلاف بسیاری از سرمایه‌گذاران، همچنان خریدار طلا هستند. براساس گزارش شورای جهانی طلا، بانک‌های مرکزی و نهادهای رسمی در سه‌ماهه سوم سال ۲۰۲۶ حدود ۳۲۱ تن به ذخایر طلای خود اضافه کرده‌اند؛ رقمی که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۲ درصد افزایش داشته است. خرید بانک‌های مرکزی به‌تنهایی برای تغییر مسیر بازار کافی نیست؛ زیرا قیمت طلا فقط با تقاضای دولت‌ها تعیین نمی‌شود و رفتار صندوق‌های سرمایه‌گذاری، معامله‌گران و سرمایه‌گذاران خصوصی نیز در تعیین آن نقش مهمی دارد. برای مثال، تقاضا برای زیورآلات طلا در سه‌ماهه سوم ۱۷ درصد و خرید شمش و سکه ۱۹ درصد کاهش یافته است. در چنین شرایطی، حتی خرید گسترده بانک‌های مرکزی نیز نمی‌تواند تمام فشار فروش در بازار را خنثی کند. تجربه تاریخی نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. طلا بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ حدود ۴۲ درصد افت کرد؛ در حالی که بانک‌های مرکزی در همان دوره نیز خریدار خالص طلا بودند.

معمولاً با افزایش تنش‌های سیاسی و نظامی، تقاضا برای طلا به‌عنوان دارایی امن بیشتر می‌شود؛ اما این رابطه همیشه مستقیم نیست. افزایش تنش‌ها ممکن است قیمت نفت و انرژی را بالا ببرد و نگرانی‌ها درباره تورم را تشدید کند. در نتیجه، بازار احتمال تداوم افزایش نرخ بهره را جدی‌تر می‌گیرد و همین موضوع دوباره به ضرر طلا تمام می‌شود. از سوی دیگر، بدهی دولت فدرال آمریکا در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶ به حدود ۴۰.۷۱ تریلیون دلار رسیده است. این میزان بدهی در بلندمدت می‌تواند اعتماد به نظام پولی آمریکا را تحت فشار قرار دهد و جذابیت طلا را افزایش دهد؛ اما تا زمانی که بازده واقعی دارایی‌های بهره‌دار بالا باشد، افزایش بدهی لزوماً به رشد فوری قیمت طلا منجر نمی‌شود. تحلیلگران معتقدند تا زمانی که نرخ بهره آمریکا در سطوح بالا باقی بماند و بازده واقعی اوراق کاهش پیدا نکند، احتمال ادامه نوسان و فشار فروش طلا وجود دارد. حتی ممکن است این وضعیت به نیمه نخست ۲۰۲۷ نیز کشیده شود.

یادداشت

جده در تیررس یمن

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات تازه جنگ یمن و عربستان نشان می دهد که برخلاف محاسبات ریاض، این نیروهای مقاومت یمن هستند که در بخش مهمی از میدان نبرد ابتکار عمل را در دست گرفته‌اند. پیشروی‌های انصارالله در جبهه های داخلی، حملات موشکی به مراکز حساس عربستان و تهدید بنادر راهبردی این کشور، هزینه‌های جنگ را برای سعودی‌ها به‌شدت افزایش داده است. اکنون عربستان در حالی بار دیگر به باتلاق یمن بازگشته که هم‌پیمان آمریکایی‌اش هم درگیر جنگ منطقه‌ای شده و در حال حاضر این ریاض است که بخش مهمی از هزینه‌های امنیتی و اقتصادی این ماجراجویی را می پردازد.

هشدار تازه محمد الفرح، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن، درباره سرنوشت بندر جده، تازه‌ترین نشانه تغییر معادله بازدارندگی در دریای سرخ است. الفرح در شبکه اجتماعی ایکس نوشت بندر جده سرنوشتی بهتر از بندر ایلات نخواهد داشت. بندری که به گفته او، با تصمیم یمن به مدت دو سال تعطیل شد. وی تأکید کرد کسانی که تصور می کنند عمق جغرافیایی عربستان می تواند بنادر این کشور را مصون نگه دارد، باید سرنوشت ایلات را به خاطر بیاورند.

این هشدار صرفاً یک موضع گیری سیاسی نیست. تجربه اختلال گسترده در فعالیت بندر ایلات بر اثر عملیات دریایی یمن نشان داده است که انصارالله توانایی واردکردن فشار اقتصادی فراتر از مرزهای خود را دارد. اکنون همین الگوی فشار می تواند به کابوس جدید اقتصاد عربستان تبدیل شود.

روز جمعه ۲۰ نوامبر، ائتلاف سعودی حملاتی را علیه بندر الحدیده و مواضعی در صنعا، صعده و تعزانجام داد. در مقابل، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، هشدار داد بنادر عربستان در دریای سرخ، از جمله جده، در معرض حملات تلافی جویانه قرار خواهند گرفت. هم‌زمان انصارالله درباره ناامن شدن حریم هوایی عربستان هشدار داد.

اما ضربه مهم‌تر به اعتبار امنیتی ریاض وارد شده است. حمله انصارالله به برج صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان در منطقه مالی ریاض خسارت وارد کرد. پیش‌تر نیز در هشتم نوامبر، ساختمان شرکت آرامکو در پایتخت آسیب دیده بود. تکرار این حملات نشان می دهد که سامانه‌های دفاعی سعودی، حتی با وجود تجهیزات پیشرفته، نتوانسته‌اند تهدید را به‌طور کامل از مراکز اقتصادی این کشور دور کنند.

در جبهه زمینی نیز وضعیت به سود ریاض پیش نمی‌رود. گزارش رویترز از پیشروی نیروهای انصارالله به سمت عدن و اختلاف میان گروه‌های مورد حمایت عربستان و امارات حکایت دارد. اختلافاتی که توان ائتلاف ضدانصارالله را تضعیف کرده است.

نکته قابل توجه آنکه آسوشیتدپرس گزارش داده مقامات سعودی خواهان حمایت نظامی بیشتر آمریکا برای تغییر موازنه جنگ شده‌اند، اما دولت ترامپ تاکنون در برابر درخواست حمله مستقیم به انصارالله مقاومت کرده است. این وضعیت، وابستگی امنیتی ریاض به واشنگتن را بیش از گذشته آشکار می کند.

واقعیت این است که ریاض بار دیگر در موقعیتی قرار گرفته که باید هزینه همسویی راهبردی با واشنگتن را از امنیت شهرها، بنادر و زیرساخت‌های اقتصادی خود بپردازد. عربستانی که روزگاری تصور می کرد با حملات هوایی می‌تواند یمن را به زانو درآورد، امروز با تهدیدی روبه‌روست که از مرزهای جنوبی تا قلب پایتخت امتداد یافته است. ادامه جنگ، تنها به معنای این است که امنیت اقتصادی عربستان بیش از پیش فرسوده خواهد شد.

کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد

آمریکا به دنبال عراقِ بدون مقاومت



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

در پی تحولات اخیر عراق، از جمله خروج نیروهای کتائب حزب‌الله از منطقه راهبردی جرف‌الصخر، افزایش فشارها برای خلع سلاح گروه‌های مقاومت و اعمال محدودیت در برخی گذرگاه‌های مرزی ایران و عراق، تحولات سیاسی و امنیتی این کشور وارد مرحله تازه‌ای شده است. در همین راستا، روزنامه نوبنیاد در گفت‌وگو با **محدثه رضایی، کارشناس مسائل عراق**، به بررسی پشت‌پرده این تحولات، نقش آمریکا در تصمیمات دولت الزیدی، پیامدهای تغییر آرایش نیروهای مقاومت در جرف‌الصخر و راهبرد احتمالی مقاومت عراق در مواجهه با فشارهای فزاینده پرداخته است که به شرح زیر است:

برخی از گذرگاه‌های زمینی و مسیرهای هوایی میان ایران و عراق، در پی اقدامات دولت الزیدی، با محدودیت‌ها و اختلالاتی مواجه شده‌اند. آیا احتمال گسترش این محدودیت‌ها وجود دارد؟ جمهوری اسلامی ایران در برابر چنین اقداماتی از سوی دولت عراق، چه اهرم‌هایی در اختیار دارد و چگونه می‌تواند این وضعیت را مدیریت و مهار کند؟

در این خصوص، ما شاهد بودیم که مرز شیب، یا همان چذابه، میان دو کشور بسته شد. این منطقه از نظر اقتصادی اهمیت بسیار زیادی دارد. به‌ویژه برای مردم عراق که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی آنان به مبادلات مرزی وابسته است. حجم بالایی از کالاها از طریق این گذرگاه وارد می‌شد و فعالیت شرکت‌های حمل‌ونقل، انبارها، بازارها و فعالان اقتصادی استان میسان نیز به آن وابسته بود. بنابراین، بسته شدن مرز، اختلال جدی در وضعیت معیشتی مردم ایجاد کرد.

در طول دو هفته، اعتراضات گسترده‌ای شکل گرفت. به‌گونه‌ای که حتی رئیس شورای استان نیز وارد عمل شد و هشدار جدی به دولت عراق داد. وی به دلیل اظهارات خود و تعیین ضرب‌الاجل برای بازگشایی مرز، از سوی دولت احضار شد اما با میانجی گری برخی از رهبران چارچوب هماهنگی، آزاد شد.

او پس از آزادی نیز تأکید کرد که به دلیل منافع مردم و معیشت هزاران و میلیون‌ها نفر، حاضر نیست از اصول و مواضع خود عقب‌نشینی کند و همچنان بر ضرورت بازگشایی این مرز اصرار دارد. در نهایت، پس از فشارها و رایزنی‌های متعدد، این گذرگاه مرزی بازگشایی شد. به نظر می‌رسد روند بسته شدن گذرگاه‌های مرزی، با همان بهانه‌های اولیه، همچنان ادامه دارد. نمی‌توان ادعا کرد که این اقدامات ارتباطی با برنامه‌های آمریکا ندارد بلکه به اعتقاد بنده، قطعاً دست آمریکایی‌ها در پشت پرده این تحولات قرار دارد. آنان تلاش می کنند در چارچوب محاصره اقتصادی و سیاسی ایران، حلقه فشار را بیش از گذشته تنگ‌تر کنند.

در پاسخ به این پرسش که جمهوری اسلامی ایران چه اهرم‌هایی در قبال عراق در اختیار دارد، باید به چند موضوع مهم اشاره کرد.

ایران سال‌های طولانی است که گاز و برق خود را به عراق صادر می کند. با توجه به تحریم‌های موجود، متأسفانه بخش قابل توجهی از مطالبات مالی ایران همچنان پرداخت نشده و این منابع به کشور بازنگشته است. با وجود این، ایران همچنان صادرات انرژی خود را برای تأمین نیازهای دولت و مردم عراق ادامه داده است.

یکی از دلایل اصلی این رویکرد، پیوندهای عمیق فرهنگی، مذهبی و اجتماعی میان دو کشور است. سالانه شمار بسیار زیادی از شهروندان عراقی، از جمله هزاران و میلیون‌ها زائر، گردشگر و دانشجو، به ایران سفر می کنند. بسیاری از آنان از شهرهای زیارتی و گردشگری ایران بازدید می کنند و گروهی نیز برای تحصیل در مراکز آموزشی و دانشگاهی کشور اقامت دارند. لذا ایران از به‌کارگیری اهرم‌های جدی فشار علیه دولت عراق خودداری کرده است.

حتی در موضوع بسته شدن تنگه هرمز نیز شاهد بودیم که عراق همچنان صادرات نفت خود را ادامه داده است. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه همکاری‌ها و کمک‌های قابل توجهی داشته تا تولید و صادرات نفت عراق در چار اختلال جدی نشود؛ درحالی که سایر کشورهای منطقه و حتی بازیگران بین‌المللی از شرایط ایجادشده متضرر شده‌اند.

این خسارت‌ها و مشکلات را باید نتیجه دخالت‌ها و حضور آمریکا در منطقه دانست. اقداماتی که با ایجاد چالش‌های امنیتی، زیان‌های گسترده‌ای را به کشورهای مختلف تحمیل کرده است. طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت که تنها یک کشور از این شرایط متضرر شود. با این حال، جمهوری اسلامی ایران به دلیل همان پیوندها و قرابت‌های فرهنگی و مذهبی، عراق را از برخی محدودیت‌ها مستثنا کرده است.

آیا توقف روند مذاکرات مربوط به خلع سلاح گروه‌های مقاومت از سوی دولت عراق و گشوده شدن پرونده اتهامات نفتی علیه این گروه‌ها، اتفاقی تصادفی بوده است یا باید آن را بخشی از یک راهبرد هدفمند برای افزایش فشار بر مقاومت عراق ارزیابی کرد؟

در ابتدا قرار بود موضوع خلع سلاح گروه‌های مقاومت عراق از طریق مذاکره پیگیری شود و مقرر شد تا ژوئن ۲۰۲۷ فرصت داده شود تا فرایند خلع سلاح، مطابق سازوکاری که طرف‌های عراقی در حال پیگیری آن بودند، انجام شود. با این حال، متأسفانه تحولات منطقه‌ای و تغییر رویکرد مقامات آمریکایی موجب شد این روند دستخوش تغییر شود. فشارها علیه دولت عراق افزایش یافت و آمریکایی‌ها خواستار خلع سلاح گروه‌های مقاومت شدند.

همان‌طور که می‌دانید، عراق از نظر ساختار امنیتی، نظامی و اکنون حتی سیاسی، وابستگی بسیار زیادی به ایالات متحده دارد. آمریکایی‌ها اهرم‌های فشار متعددی علیه دولت عراق در اختیار دارند و از این ابزارها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. در همین چارچوب، باید به موضوع نخست‌وزیری آقای زیدی نیز اشاره کرد. وی با پشتوانه و حمایت آمریکایی‌ها به مقام نخست‌وزیری رسید زیرا از پشتوانه مردمی قابل توجهی برخوردار نبود و حتی بسیاری از نخبگان سیاسی نیز شناخت چندانی از او نداشتند. از این منظر، می‌توان گفت وی نوعی احساس تعهد نسبت به آمریکایی‌ها دارد و همین مسئله موجب شده است که برخی از خواسته‌ها و دستورات آنان را بپذیرد؛ موضوعی که در شکل‌گیری شرایط کنونی عراق نیز تأثیرگذار بوده است.

در ادامه، آقای زیدی شخصاً وارد پرونده خلع سلاح شد و ریاست کمیته مربوط به این موضوع را بر عهده گرفت.

با وقوع این تغییر، برخی از رهبران گروه‌های مقاومت، از جمله جنبش النجباء، کتائب سیدالشهدا و انصار، مخالفت خود را اعلام کردند. آنان تأکید داشتند روندی که پیش‌تر قرار بود براساس مذاکره و توافق شکل بگیرد، اکنون تغییر کرده و شروطی که برای ورود به مذاکرات مطرح کرده بودند، محقق نشده است. ازاین‌رو، شرایط جدید را قابل پذیرش نمی‌دانستند. آمریکایی‌ها در ابتدا تلاش کردند از مسیر سیاسی و امنیتی وارد شوند و پرونده گروه‌های مقاومت را از این طریق ببندند. اما هنگامی که مشاهده کردند این روش به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، به سراغ پرونده‌های اقتصادی رفتند.

هدف از این اقدام، از یک‌سو مخدوش کردن چهره گروه‌های مقاومت در افکار عمومی و از سوی دیگر، افزایش فشار بر آنان از طریق طرح پرونده‌های اقتصادی بود.

در همین زمینه، پرونده فرودگاه موصل و پس از آن پرونده نفتی منطقه جرف مطرح شد. پرونده‌هایی که همچنان ابهامات و بحث‌های فراوانی پیرامون آنها وجود دارد.

خروج نیروهای کتائب حزب‌الله عراق از منطقه جرف‌الصخر را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا این اقدام را می‌توان نشانه‌ای از تضعیف موقعیت و کاهش قدرت گروه‌های مقاومت در عراق دانست یا این تحول در چارچوب ملاحظات و محاسبات دیگری قابل تحلیل است؟

در رابطه با موضوع خروج نیروهای کتائب حزب‌الله عراق از منطقه جرف‌الصخر، باید گفت که تنش‌ها در این منطقه به‌شدت افزایش یافته بود.

نخست‌وزیر عراق شخصاً وارد این پرونده شد و شرایط به مرحله‌ای رسیده بود که احتمال بروز جنگ و درگیری میان گروه‌های مختلف نظامی و امنیتی وجود داشت.

در هفته گذشته، شماری از رهبران چارچوب هماهنگی نشست‌هایی برگزار کردند و گفت‌وگوهایی نیز با شخص نخست‌وزیر انجام شد. همچنین شاهد سفر سردار قاآنی به عراق بودیم. در نهایت، مجموعه این مذاکرات و میانجی‌گری‌ها به توافقاتی درباره وضعیت منطقه منجر شد.

براساس توافق صورت‌گرفته، مقرر شد نیروهایی از پلیس فدرال، یگان مبارزه با تروریسم، ارتش عراق و پلیس انرژی، که مسئولیت حفاظت از تأسیسات و مناطق مرتبط را بر عهده دارد، در منطقه مستقر شوند. همچنین موضوع استقرار تیپ‌های ۷۲ و ۷۹ مطرح شد که برخی از نیروهای آنها به شاخه‌هایی از کتائب حزب‌الله وابسته هستند. این نیروها قرار است در مناطقی که پیش‌تر تحت استقرار کتائب حزب‌الله بوده، حضور پیدا کنند.

بنابراین، نمی‌توان گفت که کتائب حزب‌الله به‌طور کامل از منطقه جرف‌الصخر خارج شده است. این منطقه به‌خصوص از سال ۲۰۰۴ به بعد اهمیت امنیتی قابل توجهی پیدا کرد. در سال‌های پس از آن، گروه‌های تکفیری و سلفی در منطقه فعالیت داشتند و در سال ۲۰۱۴ نیز با ظهور داعش، تهدیدات امنیتی به‌شدت افزایش یافت. موقعیت جغرافیایی این منطقه و ارتباط آن با مناطق جنوبی عراق، اهمیت راهبردی آن را دوچندان کرده بود.

در جریان مقابله با گروه‌های تروریستی، شهدای بسیاری تقدیم شد تا امنیت این منطقه برقرار شود. امنیتی که اکنون حدود ۱۲ سال از برقراری آن می گذرد، به‌آسانی به دست نیامده است.

به اعتقاد بنده، اگر مردم و گروه‌های مقاومت به‌سادگی در برابر این فشارها تسلیم شوند، زمینه برای افزایش مداخلات آمریکا در عراق و حتی استفاده از خاک این کشور برای ورود و اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران و سایر مناطق فراهم خواهد شد.

چنین روندی می‌تواند پیامدهای امنیتی ناخوشایندی به دنبال داشته باشد و استقلال و حاکمیت ملی عراق را با چالش‌های جدی مواجه کند.

اظهارات تعجب برانگیز رئیس جمهور در دانشگاه تهران، همان نسخه‌ای است که معمار تحریم‌های اوباما هشت ماه قبل برای به زانو درآوردن ایران به ترامپ پیشنهاد کرده بود

پاس گل به نفیو با ضعیف‌نمایی از ایران بزرگ

مرور توصیه‌های هشت ماه قبل ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در دولت اوباما، در کنار اظهارات اخیر مسعود پزشکیان، از یک هم‌پوشانی نگران‌کننده حکایت دارد؛ هم‌پوشانی میان نسخه دموکرات‌های متخصص فرسایش ایران و ادبیاتی که رئیس جمهور ایران در توصیف وضعیت اقتصادی کشور به کار می‌برد. گویی خواب شوم هوشمندترین جریان ضدایرانی آمریکا، این بار با ادبیات خودی در حال تعبیر شدن است.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

نگاهی به مقاله ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ایران در دولت باراک اوباما، در فروردین ۱۴۰۵ و مقایسه آن با سخنان اخیر مسعود پزشکیان نشان می‌دهد که یکی از هوشمندانه‌ترین جریان‌های ضدایرانی در آمریکا، یعنی دموکرات‌های متخصص در فشار اقتصادی، تحریم و فرسایش تدریجی ایران، که امروز نیاز پیشنهاد به ترامپ جمهوری خواه برای به زانو درآوردن ایران دریغ نمی‌کنند، دقیقاً به دنبال چه الگویی بوده است؛ الگویی که اکنون اظهارات مسعود پزشکیان رئیس جمهور ایران، ناخواسته یا آگاهانه ترجمه حرف به حرف آن شده است.

نفیو در مقاله خود به ترامپ توصیه می‌کند که: «به دنبال توافق جامع با ایران نباشد و به جای آن، کشور را وارد وضعیتی موسوم به «منطقه خاکستری» کند؛ وضعیتی نه جنگ و نه صلح که در آن فشار مستمر، ضربات فرسایشی و مهار تدریجی، جایگزین یک رویارویی تمام‌عیار شود. در این نسخه، آمریکا باید فشار حداکثری را حفظ کند و صرفاً به توافقی محدود برای باز نگه داشتن تنگه هرمز رضایت دهد.»

این توصیه به خوبی اهمیت راهبردی تنگه هرمز را آشکار می‌کند؛ اهرمی که یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های ایران برای شکستن محاصره اقتصادی و دریایی است و حتی دشمن نیز به تعیین‌کنندگی آن اذعان دارد. نفیو در عین حال، روی نقطه ضعف دیگری دست می‌گذارد: سوءمدیریت اقتصادی و ناتوانی دولت در اداره کشور. او از این طریق نشان می‌دهد که واشنگتن به‌طور ویژه روی فشار اقتصادی و تشدید نارضایتی داخلی حساب باز کرده است. طرح دوگانه «تفنگ یا کره **Guns and Butter**» از سوی نفیو نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ القای این گزاره که ایران ناچار است میان قدرت نظامی و رفاه اجتماعی یکی را انتخاب کند. در واقع، فشار اقتصادی در این نسخه مکمل تهدید نظامی است تا کشور در اداره همزمان امنیت و اقتصاد دچار فرسایش شود. نفیو همچنین با برجسته‌سازی برخی اظهارات متناقض داخلی، تلاش می‌کند شکاف میان دولت و حاکمیت را القا کند؛ تصویری که اگرچه بارها در عمل نادرست از آب درآمده، اما برخی مواضع ناپخته داخلی به خصوص از سمت پزشکیان به بازتولید آن کمک می‌کند.

اظهارات عجیب

در چنین شرایطی، اظهارات شرم‌آور مسعود پزشکیان در دیدار با بسیج دانشجویی دانشگاه تهران در ۲۸ آبان، معنایی فراتر از یک موضع‌گیری معمول از سوی او را دارد. رئیس جمهور در این جلسه با ادبیاتی عجیب و جملاتی که به‌طرز معناداری با نسخه هشت ماه قبل نفیو هم‌خوانی دارد، گفت: «هم میخوای بجنگی، هم میخوای دعوا کنی، هم میخوای تحریم بشی، هم میخواهی نفت نفروشی، هم میخوای برق ندی، هم میخوای همه چیز باشه؟»

این سخنان در واقع بازتولید همان دوگانه‌ای است که نفیو برای قرار دادن ایران در تنگنای انتخاب میان امنیت و اقتصاد طراحی کرده بود. رئیس جمهور به جای تأکید بر ضرورت مدیریت فشار خارجی، تقویت ظرفیت‌های اقتصادی و استفاده از ابزارهای کشور برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، تصویری از ناتوانی و استیصال دولت ارائه می‌دهد؛ تصویری که طبیعتاً بهترین خوراک تبلیغاتی را برای دشمن فراهم می‌کند. چندان طول نکشید که این اظهارات مورد بهره‌برداری رسانه‌های صهیونیستی قرار گرفت. روزنامه اسرائیلی معاریو با بازتاب سخنان پزشکیان در تیتر یک وب‌سایت خود نوشت: «رئیس جمهور ایران می‌گوید: ما پول نداریم، راه‌ها را مسدود کرده‌اند، نمی‌توانیم دلار وارد کنیم، نمی‌توانیم مالیات بگیریم.» به این ترتیب، آنچه می‌توانست در داخل موضوعی برای بررسی راهکارهای مدیریت اقتصادی و مقابله با تحریم باشد، به ابزاری برای القای فروپاشی اقتصادی ایران در رسانه‌های دشمن تبدیل شد.

پزشکیان در همان دیدار با بسیج دانشجویی نیز با ادبیاتی مشابه اظهار داشت: «راهم بستن، نفتم نمی‌تونم بفروشم، دلار گیرم بیاید، مالیات نمی‌تونم بگیرم، دلارم نمی‌توانم بگیرم، خب نتیجه‌ش یعنی اعتراضات، یعنی دعواها، یعنی اینا، مجبوریم مدیریت کنیم.» او روز گذشته نیز در همایش سالانه بازار سرمایه در ۳۰ آبان نیز گفت: «آمریکا و قاره‌های دیگر به خاطر جنگ ایران تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، اونوقت اوضاع ما گل و بلبل باشد؟»

دروغ بافی برای سیاه ترنشان دادن کشور

نکته قابل تأمل‌تر، ادعای دروغ و عجیب پزشکیان در خصوص ناتوانی دولت در دریافت مالیات است؛ ادعایی که حتی از سوی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان نیز تکذیب شد. مدنی‌زاده اعلام کرد درآمد مالیاتی نه‌تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه رکورد زده است؛ به‌طوری که درآمد مالیاتی دولت فقط در آبان ماه به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۰ درصد افزایش داشته است. بنابراین، ادعای ناتوانی در اخذ مالیات، حتی با آمار اعلامی وزارت اقتصاد نیز در تعارض قرار می‌گیرد. بازتاب این اظهارات در رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز بار دیگر نشان داد که دشمن چگونه از چنین مواضعی بلاهت بار یا عامدانه‌ای برای جنگ روانی علیه کشور استفاده می‌کند.

اما مسئله پزشکیان صرفاً به چند جمله نسنجیده محدود نمی‌شود. مجموعه اظهارات او در دو سال و چند ماه ریاست جمهوری، یادآور ادبیات حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ و آغاز مذاکرات برجام است؛ زمانی که با طرح ادعاهای دروغی نظیر «خزانه خالی» و «سیلوهای خالی»، تلاش شد برای حمله به رئیس جمهور قبل از وی محمود احمدی نژاد، شرایط کشور به‌شدت بحرانی و کشور برای دستیابی به توافق با غرب محتاج و مشتاق نشان داده شود. نتیجه چنین رویکردی، ارسال پیام ضعف به طرف آمریکایی و اروپایی و فراهم شدن زمینه امتیازگیری بیشتر آنها در مذاکرات بود.

اکنون نیز پزشکیان با ترسیم مداوم تصویری از ناتوانی اقتصادی، ناتوانی در فروش نفت، ناتوانی در تأمین ارز و حتی ناتوانی در دریافت مالیات، همان مسیر خطرناک را بازتولید می‌کند. تفاوتی نمی‌کند این رفتار ناشی از آگاهی و همراهی با یک الگوی سیاسی باشد یا محصول بلاهت در فهم مختصات جنگ اقتصادی؛ نتیجه در هر دو حالت، حرکت در مسیری است که آمریکا و طراحان تحریم برای ایران ترسیم کرده‌اند.

کشور نمی‌تواند در شرایط جنگ اقتصادی و تهدید نظامی، هزینه اظهاراتی را بپردازد که عملاً به تکمیل عملیات روانی دشمن کمک می‌کند. همان‌گونه که در سال ۶۰، عزل بنی‌صدر و پایان دادن به بن‌بست مدیریتی در جنگ تحمیلی، زمینه تغییر مسیر جنگ و آغاز پیروزی‌های ایران در کمتر از یک سال را فراهم کرد، امروز نیز مسئله صلاحیت و توانایی اداره کشور در چنین شرایطی نمی‌تواند از دستور کار مجلس و تصمیم‌گیران خارج باشد. مسئله، صرفاً اختلاف سلیقه سیاسی یا انتقاد از عملکرد دولت نیست؛ مسئله این است که آیا می‌توان عنان اداره کشور را در شرایط جنگ و محاصره اقتصادی به مدیری سپرد که چه آگاهانه و چه از سر ناتوانی، در مسیری قدم برمی‌دارد که امثال نفیو و بنست برای فرسایش ایران طراحی کرده است؟ بازنگری جدی در وضعیت مدیریت اجرائی کشور و بررسی ضرورت عزل پزشکیان، تصمیمی است که نمی‌توان با مصلحت‌اندیشی‌های معمول از کنار آن گذشت.

وقتی رئیس جمهور، نسخه معمار تحریم‌ها را از زبان خود تکرار می‌کند

ریچارد نفیو هشت ماه پیش به ترامپ توصیه کرده بود به‌جای توافق جامع، ایران را در منطقه خاکستری فشار اقتصادی و تهدید نظامی نگه دارد و از ضعف‌های مدیریتی و شکاف‌های داخلی برای فرسایش کشور استفاده کند. حالا اظهارات پزشکیان درباره ناتوانی در فروش نفت، دریافت دلار و اخذ مالیات، همان تصویری را بازتولید می‌کند که نفیو برای تکمیل راهبرد فشار آمریکا ترسیم کرده بود.

یادداشت

نسخه تکراری برجام با چاشنی ساده‌لوحی بیشتر

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

عباس عراقچی بار دیگر در شرایطی که آمریکا زیر فشار شکست محاسباتی و هزینه‌های تقابل با ایران قرار دارد، به جای مطالبه‌گری و تأکید بر اقتدار ملی، از ضرورت اعلام تمایل ترامپ به توافق سخن می‌گوید.

اظهارات اخیر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت پزشکیان، درباره مذاکرات با آمریکا، بار دیگر پرده از هندسه فکری جریان برجامی در دستگاه دیپلماسی برداشته است. عراقچی با اشاره به اینکه ترامپ چند روز پیش اعلام کرده دیگر تمایلی به توافق ندارد و به ونس نیز گفته دنبال نخود سیاه برود، اظهار داشته است: «اولین خواسته ما این است که صریحاً اعلام کند خواهان توافق است.» او همچنین گفته پیش از انتشار آن توئیت نیز پاسخی از طرف آمریکایی دریافت نکرده‌اند و اگر واشنگتن واقعاً جدی است، باید موضع خود را اصلاح کند.

این صورت‌بندی از دیپلماسی، بیش از آنکه بیانگر مطالبه یک کشور مقتدر از طرف متجاوز باشد، تصویری از انتظار و چشم‌دوختن به اراده واشنگتن است. سؤال روشن این است: چرا ترامپ باید اعلام کند خواهان توافق است؟ مگر قرار است جمهوری اسلامی برای بازگشت رئیس جمهور آمریکا به میز مذاکره، از او کسب اجازه کند؟ مسئله اصلی این نیست که ترامپ چه می‌خواهد، بلکه این است که آمریکا برای جبران تجاوزات، تهدیدها و بدعهدی‌های خود چه امتیازاتی باید بپردازد.

عراقچی حتی پا را فراتر گذاشته و گفته اگر آمریکایی‌ها درباره نحوه اجرای شروط پیشنهاد یا نظری داشته باشند، ایران آماده گفت‌وگوست؛ درباره ذخائر اورانیوم نیز می‌توان به راه‌حلی منصفانه رسید. او همچنین مدعی شده اگر ترامپ به طرح پیشنهادی ایران پاسخ می‌داد، نتیجه انتخابات آمریکا هم به شکل دیگری رقم می‌خورد! این سطح از خوش‌بینی بلاهت بار به اراده ترامپ، در کنار پیشنهادهای پی‌درپی برای انعطاف در مذاکرات، پرسش‌های جدی درباره محاسبات دستگاه دیپلماسی ایجاد می‌کند.

نکته تأمل برانگیزتر آنکه عراقچی هم‌زمان گفته است نتانیاهو تلاش می‌کند آمریکا را با دیگر به جنگ دیگری بکشاند. آیا کسی از هندسه فکری عباس عراقچی که نسخه ساده‌اندیشانه‌تر نسخه ساده‌لوحانه ظریف و روحانی است، انتظار درک این واقعیت را دارد که حتی رسانه‌هایی چون واشنگتن پست نیز ادعاهای مربوط به اختلاف ترامپ و نتانیاهو را در چارچوب یک جنگ زرگری برای فریب ایران تحلیل کرده‌اند؟ عراقچی که سکاندار سیاست خارجی کشور است چگونه در بازه قبل از جنگ ۱۲ روزه فکر میکرد که میتوان نقشه شیطانی ترامپ و نتانیاهو را با پیشنهاد سرمایه‌گذاری به رئیس جمهور آمریکا در ایران تغییر داد؟ آیا پیش از جنگ ۳۹ روزه، پیشنهاد غنی‌سازی صفر و تحویل اورانیوم ۶۰ درصد، مانع پیشبرد پروژه فشار و تجاوز شد؟

وزیر خارجه‌ای که باید تراز انقلاب اسلامی باشد، نمی‌تواند در عین پرمدعا بودن در خصوص دیپلماسی، نه ترامپ را درست شناخته باشد، نه آمریکا را و نه حتی الزامات حقوق بین‌الملل را. عراقچی امروز نسخه بسیار بدتر همان عراقچی برجام است؛ دیپلماتی که پیش‌تر در تضییع منافع ملی و ماجرای مکانیسم ماشه، از جمله در موضوع فرانچسکو، نابلدی و ناآگاهی مفرط خود را نشان داد.

ملت امروز بیش از هر چیز از تکرار این رویکرد فرسوده خسته شده است؛ از مواضع شرم‌آور پزشکیان، از مواضع عجیب عراقچی که هر بار آمریکا تحت فشار قرار می‌گیرد، با ادبیات التماس برای مذاکره به میدان می‌آید، و از مواضع ضد منافع ملی برخی دیگر از اعضای دولت و خط دهی‌های محمدجواد ظریف که ظاهراً همچنان معیار عمل قرار گرفته است. هر روز که می‌گذرد، دلخوری عمومی از عدم عزل عراقچی و برجامی‌هایی که پیش‌تر منافع ملی را قربانی اعتماد به غرب کردند، بیشتر می‌شود.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

■ یکشنبه ۱ آذر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۹۲

یادداشت

از هومر تا اوپنهایمر، همان است که بود

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

اقتباس از یک اثر کلاسیک می‌تواند آزمونی باشد برای سنجش اینکه فیلم‌ساز تا چه اندازه توانایی مواجهه با جهانی متفاوت از جهان ذهنی خودش را دارد. «ادیسه» هومر از همین منظر انتخاب چالش برانگیزی برای کریستوفر نولان است. حماسه‌ای که قهرمان آن شخصیتی متناقض، پیچیده و گاه غیرقابل پیش‌بینی است. با این حال، به نظر می‌رسد نولان در مواجهه با این میراث ادبی، بیش از آنکه به کشف جهان هومر علاقه‌مند باشد، در پی یافتن بستری تازه برای تکرار دغدغه‌های سینمایی خود است.

مشکل از جایی آغاز می‌شود که اودیسئوس از یک قهرمان حماسی به شخصیتی با مختصات روان‌شناختی آشنای سینمای نولان تبدیل می‌شود. در جهان هومر، هوش، حیله‌گری، خشونت و قدرت فریب، اجزای جدایی ناپذیر شخصیت اودیسئوس‌اند. او قرار نیست الگویی بی‌نقص از فضیلت باشد. اتفاقاً ارزش ادبی این شخصیت در همین ناسازگاری‌ها و تناقض‌هاست. اما نولان ظاهراً ترجیح می‌دهد با الگویی آشناتر کار کند: مردی تنها که گذشته رهایش نمی‌کند، از اعمال خود رنج می‌برد و درگیر کشمکشی دائمی با وجدان خویش است. الگویی که پیش‌تر در ممنتو، سه‌گانه بتمن و اوپنهایمر نیز بارها با آن مواجه شده‌ایم.

این انتخاب فقط یک تفاوت در شخصیت‌پردازی نیست و معنای اخلاقی داستان را هم تغییر می‌دهد. در چنین روایتی، اهمیت خشونت‌های گذشته بیش از آنکه در نسبت با قربانیان و مسئولیت اخلاقی قهرمان سنجیده شود، در تأثیری خلاصه می‌شود که بر روان او گذاشته است. گویی رنج انسان‌های دیگر زمانی اهمیت پیدا می‌کند که به بحران درونی شخصیت اصلی منجر شود. این همان نقطه‌ای است که اخلاق به روان‌شناسی تقلیل پیدا می‌کند. ما به جای مواجهه با مسئولیت، با احساس گناه روبه‌رو می‌شویم و به جای پرسش از عدالت، شاهد نمایش عذاب وجدان قهرمان هستیم.

البته نمی‌توان توانایی نولان در ساخت سینمایی عظیم، طراحی صحنه‌های باشکوه و معماری روایت‌های پیچیده را انکار کرد. اما این مهارت‌ها نباید به سپری برای مصون ماندن فیلم از نقد تبدیل شوند. سینمای پرهزینه و پرزرق‌وبرق الزاماً سینمای عمیق نیست و بازسازی یک اسطوره نیز صرفاً با افزودن لایه‌های روان‌شناختی به آن حاصل نمی‌شود.

شاید مسئله اصلی نولان این باشد که می‌خواهد همه جهان‌ها را با دستور زبان شخصی خودش توضیح دهد. اما یک متن کلاسیک قرار نیست صرفاً ماده خامی برای تکرار جهان‌بینی فیلم‌ساز باشد. گاهی ارزش مواجهه با هومر دقیقاً در پذیرفتن تفاوت‌های جهان او با جهان امروز است. اگر قرار باشد اودیسئوس هم به قهرمانی دیگر در کلکسیون مردان زخم‌خورده و گرفتار گذشته نولان تبدیل شود، این اقتباس چه چیزی به فهم ما از یکی از ماندگارترین شخصیت‌های ادبیات جهان اضافه می‌کند؟

«ایران اسلامی» نیازمند آثار شاخص است

با یک نیم‌شب، رستگار نمی‌شوید وطن‌دوستان!

در شرایطی که دو جنگ تحمیلی، سایه‌ی سنگین خود را بر زندگی روزمره مردم ایران گسترانده است، سینما باید به مثابه آینه‌ای تمام‌قد عمل کند. اکران فیلم «کوچ» با روایت دوران کودکی تا جوانی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، فرصتی مغتنم برای بازخوانی مفهوم وطن‌پرستی فراهم آورده است. در این میان، آثار دیگری چون «جانشین»، «لباس شخصی»، «نیم‌شب» و «قمارباز» نیز با محوریت هویت ملی و دفاع از کیان کشور پا به عرصه گذاشته‌اند که بررسی آماری فروش این فیلم‌ها نشان می‌دهد که مخاطبان ایرانی اگرچه تشنه‌ی دیدن روایت‌های اصیل بومی هستند و روایت‌هایی که ریشه در تاریخ معاصر دارند و روحیه مقاومت را زنده نگه می‌دارند. اما عدم موفقیت اینم فیلم‌ها در گیشه نشان می‌دهد که نهادهای مرتبط چندان در زمینه تولید فیلم‌های وطن‌دوستانه موفق عمل نکرده‌اند و عملکرد آن‌ها باید زیر ذره‌بین نقد برود.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

اکران فیلم سینمایی «کوچ» به کارگردانی محمد اسفندیاری، از بیستم آبان‌ماه سال جاری آغاز شده است. این اثر با تمرکز بر سال‌های کودکی و نوجوانی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، تلاش می‌کند تا ریشه‌های شخصیتی یک الگوی ملی را به تصویر کشد. در زمانه‌ای که آمریکا و رژیم صهیونیستی دو جنگ وحشیانه و ناجوانمردانه را به ملت ایران تحمیل کرده‌اند، تولید محتوای فرهنگی با محوریت ایران دوستی ضرورتی انکارناپذیر است. برهمین اساس از گذشته تاکنون سینمای دفاع مقدس و انقلاب، همواره نقش موثری در تقویت روحیه جمعی ایفا کرده و فیلم «کوچ» نیز با بهره‌گیری از زبان هنری، سعی دارد تا همین پیام‌های اخلاقی و میهنی را بدون شعارزدگی به مخاطبش مانند گذشته‌ای این چرخه سینمایی منتقل کند.

حضور این فیلم در جشنواره فیلم فجر و کسب جوایز ارزشمند، نشان از توجه صنعت سینما به این گونه موضوعات دارد، البته همه چیز به این مورد ختم نمی‌شود، زیرا بررسی آمار فروش پائین فیلم‌های اکران‌شده در سال ۱۴۰۵ که با محوریت مضامین ملی و امنیتی ساخته شده‌اند، جالب توجه است. فیلم «جانشین» به کارگردانی مهدی شامحمدی، یکی از کم‌فروش‌ترین آثار این دسته بوده و طبق آخرین آمار سامانه سمفا، فروش این فیلم کمی بیش از دو میلیارد تومان است.

این رقم قابل توجه، حاکی از استقبال کم تماشاگران از روایت‌های مرتبط با مسائل امنیتی و اجتماعی است. «جانشین» با جذب بیش از هفده هزار مخاطب، توانسته جایگاه غیرقابل توجیهی را در جدول گیشه کسب کند. فیلم «لباس شخصی» به کارگردانی امیرعباس ربیعی، دیگر اثر مهم در این ژانر است. این فیلم که پس از چند سال توقیف، سرانجام اجازه اکران یافت، پرونده فعالیت حزب توده را روایت می‌کند.

آمار رسمی نشان می‌دهد که فروش این فیلم حدود هفتصد میلیون تومان است و اگرچه برخی منابع خبری فروش بالاتری را ذکر کرده‌اند، اما داده‌های سامانه مدیریت فروش، ارقام واقع‌بینانه‌تری ارائه می‌دهد. اکران آنلاین این فیلم نیز از پنجم آبان‌ماه آغاز شده تا بازتاب نه‌چندان خوب آن را در گیشه جبران کند. «نیم‌شب» ساخته محمدحسین مهدویان، در فصل نوروز روی پرده رفت و علی‌رغم تبلیغ فراوان فروش پایینی را ثبت کرد. فروش نهایی این فیلم در سمفا کمی بیش از هفتصد و سی میلیون تومان بود. این اثر با نگاهی به تحولات سیاسی و اجتماعی، توانست مخاطبان کمی را-یعنی حدود هشت هزار نفر- جلب کند.

در مقابل، فیلم «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری، با وجود موضوع جاسوسی و سایبری، فروش بسیار کمتری را تجربه کرد. آمار فروش این فیلم ۱۹۰ میلیون تومان بود. داستان «قمارباز» درباره حمله سایبری به بانک‌ها در جریان جنگ دوازده‌روزه است. مقایسه فروش این چهار فیلم نشان می‌دهد که آثار با مضمون مستقیم‌تر و جذابیت‌های فرمی بیشتر، موفق‌تر عمل کرده‌اند. «جانشین» و «نیم‌شب» به دلیل ترکیب عناصر هیجان‌انگیز با مضامین ملی، فروش بالاتری نسبت به «لباس شخصی» و «قمارباز» داشته‌اند.

این روند نشان می‌دهد که مخاطب ایرانی با وجود علاقه به تماشای آثار وطن‌دوستانه، چندان تمایلی به محصولات یک سال اخیر نشان نداده‌اند. البته باید به این نکته توجه داشت که در زمانه جنگ و مشکلات اقتصادی‌ای که دولت چهاردهم آن را ایجاد کرده، سینما اهمیت سابق را ندارد، اما فروش ۴ میلیارد تومانی آثاری که ایران را در محور سوژه خود قرار داده‌اند به‌خوبی نشان می‌دهد که این چرخه نیازمند خانه تکانی اساسی است.

یادداشت

ایثار در قاب سینما

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

سومین جشنواره ملی فیلم ایثار با افزایش ۴۰ درصدی آثار رسیده به دبیرخانه این جشنواره برگزار خواهد شد. این افزایش چشمگیر، نشانه‌ای از گسترش توجه فیلم‌سازان به این رویداد است. ثبت ۲۱۰۸ اثر در سه دوره برگزاری جشنواره، فرصتی فراهم کرده تا بار دیگر نسبت سینمای ایران با مفاهیمی چون فداکاری، مقاومت و وطن‌پرستی به بحث گذاشته شود. با این حال، اهمیت جشنواره را نباید تنها با شمار آثار ارسالی سنجید. مسئله اصلی، توانایی این رویداد در تبدیل موضوع ایثار به روایت‌هایی جذاب برای مخاطب امروز است.

در نشست هماهنگی این دوره که با حضور مسئولان کشوری و استانی در تبریز برگزار شد، آمار آثار دریافتی اعلام شد. از مجموع ۲۱۰۸ اثر، ۶۷۴ اثر مستند، ۵۶۸ فیلم کوتاه، ۴۳۲ اثر پویانمایی و موشن گرافیک، ۳۱۷ نماهنگ و ۱۱۷ فیلم‌نامه به دبیرخانه رسیده است. سهم بالای مستند و فیلم کوتاه نشان می‌دهد بخش مهمی از ظرفیت این جشنواره در قالب‌هایی قرار دارد که امکان پرداخت مستقیم‌تر به زندگی و تجربه‌های ایثارگران را فراهم می‌کنند.

در این میان، تأکید بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی، بر استفاده از ظرفیت شخصیت‌هایی مانند شهید مهدی باکری برای تولید آثار سینمایی، نکته قابل توجهی است. زندگی این شهید و دیگر چهره‌های دفاع مقدس هنوز ظرفیت‌های روایی بسیاری دارد. البته معرفی این شخصیت‌ها به نسل جوان، به تکرار روایت‌های آشنا محدود نمی‌شود. سینما باید بتواند وجوه انسانی، انتخاب‌ها و دشواری‌های زندگی آنان را به تصویر بکشد.

از سوی دیگر، پیشنهاد بین‌المللی شدن جشنواره و استقرار دبیرخانه دائمی آن در تبریز می‌تواند افق تازه‌ای پیش روی این رویداد قرار دهد. جمشید نظمی بر فراهم‌کردن مقدمات حضور آثار و فیلم‌سازان خارجی تأکید کرده و مسئولان استانی نیز میزبانی دائمی را به‌عنوان یک مطالبه مطرح کرده‌اند.

انتخاب آرش زینال خیری به‌عنوان دبیر هنری و انتشار مجموعه ۲۴ مقاله علمی دوره گذشته نیز از برنامه‌های اعلام‌شده است. سومین جشنواره ملی فیلم ایثار آذرماه ۱۴۰۵ در تبریز برگزار می‌شود. آزمون اصلی جشنواره، عبور از یک گردهمایی مناسبتی و رسیدن به جریان مستمر تولید و نمایش آثاری است که فرهنگ ایثار را در حافظه سینمای ایران زنده نگه دارند.



«از قهرمان بخوان»؛ پویشی برای ترویج کتاب‌خوانی

رویداد فرهنگی «از قهرمان بخوان» با محوریت ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و پاسداشت جایگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی، شامگاه جمعه ۲۹ آبان در رواق کشوردوست آغاز به کار کرد. در این مراسم که با حضور خانواده‌های شهدا، بسیجیان و فعالان حوزه کتاب‌خوانی برگزار شد، از پوستر پویش کتاب‌خوانی «خط امین ۳» نیز رونمایی شد. همچنین از خانواده‌های چهار شهید به پاس ایثار و فداکاری آنان تجلیل به عمل آمد. حجت‌الاسلام حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، در این مراسم با اشاره به ابعاد مختلف شخصیتی رهبر شهید، مبارزات پیش از انقلاب، نقش‌آفرینی در تثبیت جمهوری اسلامی، دوران دفاع مقدس و حمایت از جریان مقاومت در منطقه را از فصل‌های مختلف حیات مبارزاتی ایشان برشمرد. وی همچنین بر جایگاه مطالعه و کتاب‌خوانی در سلوک فرهنگی و علمی رهبر شهید تأکید کرد.

در سومین دوره پویش «خط امین»، ۹ عنوان کتاب در حوزه‌های تاریخ، هویت ملی، زن و خانواده، مقاومت و خاطرات در فهرست مطالعه قرار گرفته است. «خون دلی که لعل شد»، «مهاجر سرزمین آفتاب»، «تن‌تن و سندباد»، «خاطرات سفیر» و جلد سوم «سرگذشت استعمار» از جمله آثار معرفی‌شده در این پویش هستند.